

امنیت قضایی، قانونیت، آزادی

برای همه وفاداران به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

دشمن متجاوز در اکثر جبهه‌ها ابتکار عمل را از دست داده است

● رزمندگان انقلاب در تمام جبهه‌ها تلفات سنگینی به تجاوزگران صدامی وارد آوردند.

مدافعان انقلاب دلیرانه نبرد علیه متجاوزین صدامی را ادامه می‌دهند. صدای جمهوری اسلامی ایران دیروز گرازش داد که کوشش متجاوزین برای حمله گسترده به شهر بقیه در صفحه ۷

وقلم و مطبوعات و اجتماعات و احزاب و سندیکاها و... در يك جامعه مستقل، آزاد، سالم، زنده و سازنده هستیم، زیرا که نه فقط تأمین و تضمین امنیت قضایی، قانونیت و آزادی را برای رشد و تکامل جامعه نوین انقلابی ایران ضرور میدانیم، بلکه بشهادت بقیه در صفحه ۷

سیاسی در جامعه ما قرار گرفته است. در آنچه که مربوط به ماست، باید با تأکید و صراحت بگوئیم که ما از صادق‌ترین و سرسخت‌ترین و اصولی‌ترین و بیگترین طرفداران امنیت قضایی، قانونیت و آزادیهای فردی و اجتماعی (آزادیهای دموکراتیک: آزادی بیان

دربی حوادث روزهای اخیر، باردیگر مسائلی از قبیل «امنیت قضایی»، «قانونیت»، «بحث آزاد»، «آزادی بیان»، «امکان اظهار نظر آزاد» و انواع مطالب دیگر در این زمینه، مورد بحث محافل اجتماعی و

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷۷
دوشنبه ۳ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۱۵ محرم ۱۴۰۱، به ۱۵ ریل

تا متجاوز در خاک ماست، مذاکره ممکن نیست

و از این منظره سازی، برای تحکیم مواضع متزلزل خود و رژیمهای طاغوتی منطقه بهره برداری کند.

حفظ وضع موجود، برخلاف واقع، خود را بعنوان «پیروز» کشور ما را بعنوان «شکست خورده» به مردم عراق و جهان معرفی کند

جهانی، بسرکردگی امریکا و امیال توسعه طلبانه خود را بمورد اجرا بگذارد. هدف مقدم صدام اینست که با اعلام آتش بس با

های زیادی دارد، مسئله را از روزی به روز دیگر و از سالی به سال دیگر محول کند و در خلال این مدت نقشه‌های امپریالیسم

بدین جهت دولت جمهوری اسلامی ایران حق دارد که بگوید: تا یک نفر متجاوز در خاک ایران باقی است و تا آثار تجاوز رفع نشده، مردم ایران دست از نبرد علیه مهاجمان صدامی برنداشته است.

آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر در مصاحبه اخیر خود بار دیگر تأکید کرده اند که:

«من با آمدن آقای پالنه هیچ تغییری در جنگ تقصیم، همان طور که بارها گفته ام، جنگ را ما بخاطر دفاع از کشور ادامه میدهیم و این برادران و خواهران رزمنده ما هستند که در خوزستان قرارداد ترک مخاصمه را امضا خواهند کرد و نه آقای پالنه و مجامع بین المللی».

در زمینه آتش بس سؤال شد، آقای نخست وزیر گفتند:

«مطلقاً نمی پذیریم». برای بی بردن آگاهانه به صحت این موضع دولت جمهوری اسلامی ایران، باید به خصالت جنگی که رژیم جنایتکار صدام بر ما تحمیل کرده، بروشنی بی بریم.

این جنگ، فقط جنگ شخصی صدام و حتی رژیم صدام نیست. این جنگ سرتاسری امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امریکا است. هدف این جنگ هم چند کیلومتر خاک و یا چند پست و گذرگاه هم نیست. هدف این جنگ ازین بردن جمهوری اسلامی ایران و بازگرداندن ایران به زیر یوغ امپریالیسم امریکا و دست نشاندهگان امریکای طاغوتیان ایرانی است.

غلت جرئت کردن صدام به آغاز این جنگ هم، آنچنان که بعضی ها میگویند، فقط این نوده است که صدام جمهوری اسلامی ایران را ضعیف پنداشته است. درست است که صدام چنین تصورهای داشته، ولی امید عدم آن نه به ضعف ایران، بلکه به قوت دیاری امپریالیسم جهانی رژیم های مرتجع منطقه از سوئی و منفر دستاخن ایران در جهان از سوی دیگر بوده است.

باید قبول کرد که ما اگر چند برابر حالا هم نیرومند می بودیم، تهاجم علیه کشور ما از بر نامه امپریالیسم امریکا حذف نمی شد. درست بهمین جهت است که پس از پیروزی ما بر رژیم صدام نیز، خطی تهاجمات دیگر امریکا به اشکال مختلف، همچنان بجای خود باقی خواهد بود.

آتش بس در حالیکه اشغالگران در خاک مبین مستقل و آزاد ما هستند و مذاکره در زیر زنجیر تانکها و غرش توپها، نمی تواند مورد پذیرش یک نظام انقلابی متکی بر خلق باشد. تا متجاوز در خاک ماست، مذاکره ممکن نیست. ما این موضع درست را در رد آتش بس آنچنانی اتخاذ کرده ایم و سیر حوادث در جبهه های نبرد نیز به همت خلق قهرمان، بسود کشور ما در حال تحول است. اکنون بر مسئولان کشور است که در چنین شرایط مساعدی برای بکرمی نشانیدن موضع درست و عادلانه جمهوری اسلامی ایران، یعنی برای منکوب ساختن رژیم جانی صدام، امکانات داخلی و بین المللی انقلاب را با قاطعیت و نظم و روشن بینی بیشتری تجویز کنند و بکار بینند.

پیروزی بر رژیم جنایتکار صدام، در واقع ادامه انقلاب بزرگ ایران، یعنی ادامه پیروزی بر امریکای غارتگر است.

رفیق احسان طبری به پرسش نامه «مردم» پاسخ میدهد

که نامه «مردم» روزانه در صفحات خود منعکس می کند و یا رفیق گرامی ما کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در «پرسش ها و پاسخها» ارائه میدهد، تبلور مشخص همین خط مشی است. از ویژگیهای حزب ما در دوران، اخیر وحدت نظر کامل در رهبری ته نهاد مسائل سیاسی، بلکه در مسائل تشکیلاتی و نه تنها در رهبری، بلکه در تمام بدنه حزب است.

از آن گذشته، اینجانب، که خود از بنیادگزاران این حزب هستم، به این وحدت و انسجام دلپسندی حیاتی و تعهد اخلاقی و معنوی مادام العمری دارم.

من اطمینان دارم که حتی بدون این توضیح، کسانی که از دور و نزدیک با من آشنائی دارند، مطلب را بهمین نحو می فهمند، و امیدوارم آزادی که با حزب ما مخالفت سیاسی دارند، در این جاده های مشکوک و بی سرانجام کام نکند. زیرا نه از جهت واقعیت و نه از جهت اندیشه روش پسندیده ای نیست.

نامه «مردم» از رفیق ارجمند ما احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، پرسشی کرده است که پاسخ آنرا در زیر می خوانید:

نامه «مردم»: از جانب برخی محافل مخالف حزب ما، هرچندی یکبار شایعاتی پخش می شود حاکی از آنکه گویا آن رفیق ارجمند در زمینه مشی حزب اختلاف نظری با رفقای دیگر دارند، با آنکه مطلب برای ما کاملاً روشن است و محل کمترین تردید یا ابهامی نیست، تنها برای آنکه مبدا این شایعات، که به قصد تضعیف حزب ما گفته میشود در اذهان بی خبر اثری باقی بگذارد قاضا داریم نظر خود را در این باره بیان کنید.

رفیق طبری: همانطور که بیان داشتید، مطلب کاملاً روشن است و محل کمترین ابهامی نیست، اینجانب به همراه دیگر رفقا، از تنظیم کنندگان مشی کنونی سیاسی حزب در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستم و آنچه

عربستان سعودی به رژیم جنایتکار صدام حسین در جنگ تجاوز کارانه علیه جمهوری اسلامی ایران کمک می کند

در ایران باشد، پشتیبانی میکند و خود آماده شرکت مستقیم در این توطئه است.

اتخاذ اینگونه مواضع خصمانه از جانب رژیم ضد خلقی عربستان سعودی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران امریست طبیعی و انگیزه آن بازتابی است از ماهیت رژیم که بر مردم ستمدیده این کشور حکومت میکند. مسلم است که پیروزی انقلاب ایران و ثبات و استحکام دستاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در کشور ما و نیز تأثراتی که این انقلاب بر جنبشهای انقلابی و خلقهای زیر ستم این منطقه خواهد داشت، عرصه عارتگری و حکمرانی چابرا نه رژیمهای ضد خلقی و وابسته مانند رژیم عربستان سعودی، سلطان قابوس در عمان، ملک حسین در اردن، ضیاء الحق در پاکستان و دیگر رژیمهای وابسته در این منطقه را تک خواهد کرد. ازینروست که همه سر-سیردگان امپریالیسم امریکا در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به جبهه متحد توطئه و تحریکات امپریالیستی می یونند و تمام امکانات خود را برای اجرای طرحهای توطئه گرانه و تجاوزی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در اختیار امپریالیسم امریکا قرار میدهند.

طبق گزارش های منتشره از جانب خبرگزاریها، رژیم عربستان سعودی به کشتیهای خارجی که به مقصد عراق اسلحه و تجهیزات نظامی حمل میکنند، اجازه داده است که در بنادر عربستان سعودی محمولات خود را تخلیه کنند، تا از این بنادر بوسیله کامیون به اردن حمل شود و از آن طریق به عراق ارسال گردد. برابر گزارش های منتشره در مطبوعات، در حال حاضر دوازده کشتی باری دریکی از بنادر عربستان سعودی، واقع در ساحل دریای سرخ مشغول بار-اندازی کالاهائی هستند که به عراق حمل خواهند شد.

این عمل رژیم ضد خلقی عربستان سعودی باز دیگر مواضع خصمانه این رژیم وابسته به امریکا را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با وضوح روشن میسازد.

عربستان سعودی نخستین کشوری است که بلافاصله پس از تجاوز نظامی خائانه دار دوسته جنایتکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، پشتیبانی خود را از این تجاوز و رژیم صدام ابراز داشت و آمادگی خود را برای هرگونه کمک به دار دوسته صدام حسین اعلام کرد. عربستان سعودی با این سیاست خائانه نشان داد که به تبعیت از طرحهای توطئه گرانه امپریالیسم امریکا، از هرگونه اقدام و عملی که هدفش تضعیف و نهایتاً براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی

در صفحات بعد

ضرورت تغییرات بنیادی در بودجه و مالیاتها

توطئه جدید ضد انقلابی شود الیهات

تخریب کشتزارها و شخم مزارع زیر کشت

صفحه ۲

بقیه در صفحه ۸

دانشجویان ایرانی مقیم خارج و خروج میلیاردها دلار از کشور

چندین ماه از موعد سنتی بازگشایی دانشگاهها سپری شده است. فعالیت هیئت‌مامور انقلاب فرهنگی، بعثت جنگ تحمیلی، به کندی گرائیده و نویدی از بازگشایی دانشگاهها در زمان نزدیک نمیدهد.

تصمیم به تعطیل دانشگاهها موجب شد که عده‌ای از داوطلبان تحصیلات عالی و جمعی از دانشجویان دانشگاههای ایران، که از خانواده‌های مرفه بودند، با تهیه گذرنامه و خواب شبانه پشت در این یا آن سفارتخانه خارجی بمنظور دریافت ویزا، بسر طریق ممکن، از راه هوا و زمین و دریا، راهی خارج شوند. آنها که مانده‌اند و هنوز در هوای تحصیلات عالی چشم به تصمیمات هیئت مامور انقلاب فرهنگی دارند، فرزندان خانواده‌های کم درآمد و زحمتکش هستند، که یا در جیب‌ها می‌چنگند و یا در نهادهای انقلاب فاعلند و یا رانده از این و مانده از آن، بیکار و بی هدف سرگردان خیابانها هستند.

موافقان تعطیل دانشگاهها چنین استدلال میکردند که دانشگاههای ما غرب‌زده‌اند، برنامه‌های آنها استعماری است و چنین دانشگاههایی با این کیفیت، قاصر از آنند که کادرهای فنی و آموزشی منطبق با نیازهای انقلاب به جامعه عرضه کنند. این استدلال پذیرفتنی میبود، اگر شرط ایجاد دگرگونیها تعطیل طولانی دانشگاه قرار نمی‌گرفت، که فی‌الواقع هم ضروری نیست، زیرا اساسی‌ترین تحول و تطور در نظام دانشگاهی، بدون تعطیل درازمدت دانشگاهها میسر است، بویژه آنکه چهارماه تعطیلات تابستانی فرصت ممتنی برای پی‌ریزی یک نظام انقلابی دانشگاهی بود، که متأسفانه پیبوده از دست رفت و دانشگاهها همچنان تعطیل مانده‌اند.

تعطیل دانشگاهها با این کیفیت، اکنون خود نقض غرض است. غرض آن بود که جوانان ما آموزش استعماری نبینند و برنامه‌های استعماری دانشگاهها آنها را غرب‌زده و بیگانه از خود بار نیارود. اما اکنون نه تنها این مقصود انجام نشده، بلکه عده معتابیی از جوانان را به مراکز آموزشی غرب امپریالیستی اعزام داشته‌ایم که هم‌شیوه زندگی کشورهای سرمایه‌داری غرب، هم شیوه آموزش آنها، بر آنان اثرات پمراطب زیان‌بارتری از تحصیل در دانشگاههای کشور، حتی با همان برنامه‌های دوران طاغوت دارد، زیرا در اینجا دانشجویان حداقل تحت تاثیر جامعه انقلابی ما هستند، درحالیکه در کشورهای غربی عکس آنست.

اکنون علاوه بر آنکه این اثرات منفی را پذیرا شده‌ایم، مبالغی هم ارز مود. نیاز کشور را برای دانشجویان ایرانی مقیم خارج صادر میکنیم، تا امکان ادامه زندگی و تحصیل در غرب امپریالیستی را برای آنان فراهم آوریم.

تا قبل از انقلاب، به زوایبی ۱۵۰ هزار دانشجوی ایرانی در آمریکا، اروپای غربی و ژاپن به تحصیل اشتغال داشتند. پس از انقلاب، این عده بطور عمده سرجای خود باقی ماندند. به این عده باید هزارها دانش‌آموز و دانشجویی را افزود که به علت تعطیل

دانشگاهها راهی خارج شده‌اند. وجود این جمع کثیرالعمده در کشورهای امپریالیستی موجب میشود که سالانه میلیاردها دلار ارز کشور خارج شود، درحالیکه امروز ما به هر دلار آن نیاز وافر داریم. ما در گذشته یادآور شده‌ایم و اکنون باردیگر تاکید میکنیم که وجود این قبیل دانشجویان ایرانی در خارج بود کشور ما و انقلاب ما نیست. اینان نه تنها برپادهنده ثروت کشور هستند، که دست‌فروش زحمتکشان ماست، بلکه در اکثریت خود حامل منفی‌ترین جهات تمدن غرب به میهن ما خواهند بود. علاوه بر آنکه، رشته‌های دانش و تخصص آنها، که براساس نیازهای بازار کار داخلی ما انتخاب نشده، درآینده موجب بروز آشفتگیها و ناهماهنگیها خواهد شد.

ما معتقد بوده و هستیم که در سیستم دانشگاهی تغییرات بنیادی و انقلابی ضروری است. اما لازمه این تغییرات بهیچوجه تعطیل طولانی دانشگاهها نیست. میتوان بر اساس برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت، در دانشگاهها را بازگشود و به جوانان سرگردان امکان ادامه تحصیل داد، بویژه که میهن انقلابی ما سخت نیازمند کادرهای علمی و فنی و آموزشی است و این کادرها را دانشگاههای ما باید تامین کنند. باید ظرفیت دانشگاهها، با استفاده از کاخها و خانه‌های طاغوتیان و نیز استفاده از نیروی کار استادان بازنشسته تمام وقت، نیمه‌وقت و حق‌التدریسی و همچنین افزایش بودجه آموزش عالی افزایش یابد، تا جز در موارد بسیار ضروری و رشته‌های نادر، نیاز به اعزام دانشجو به خارج نداشته باشیم. باید مدارس حرفه‌ای و فنی را چنان گسترش داد که همه جوانان دیپلمه برای ادامه تحصیل ناگزیر به روی آوردن به دانشگاهها نشوند، بلکه رشته و تخصص مورد علاقه خود را طی دورانی کوتاه، در مدارس فنی و حرفه‌ای بیاموزند و وارد بازار کار شوند.

مصلحت انقلاب ایجاب میکند که ارز کشور برای زندگی و تحصیل فرزندان خانواده‌های طاغوتی بخارج نرود، زیرا غارت خانوادهم‌هایشان برای ادامه زندگی و تحصیلشان کافی است. مردم محروم و ستمکش ما، هیچ تمهیدی در قبال این عناصر فراری و ضدانقلابی ندارند.

مصلحت انقلاب ایجاب میکند که ثروت مردم زحمتکش برای فرزندان آنها بمصرف برسد و هزینه تحصیل کسانی را تامین کند که سالها از آموزش و تحصیل محروم مانده‌اند. درمورد آن اقلیتی هم که از خانواده‌های متوسط‌اند، هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌اند، آماده بازگشت به میهن برای خدمت به مردم این کشور هستند، میتوان ضوابط معقولی را تنظیم و اجرا کرد.

آنچه مسلم است اینست که بوضع کنونی در زمینه خروج ارز برای دانشجویان ایرانی مقیم خارج باید پایان داد و آنها بمانافع و مصالح انقلاب و اقتصاد کشور منطبق کرد.

پلیس آمریکا تظاهرات علیه مسابقه تسلیحاتی را سرکوب کرد

اقدام‌های چند روز گذشته پلیس مزدور و دادگاههای فرمایشی آمریکا بار دیگر «حقوق بشر» امپریالیسم آمریکا را نشان داد. پلیس مزدور آمریکا در جریان تظاهرات هزاران زن علیه مسابقه تسلیحاتی، که بوسیله انحصارات آمریکایی دامن زده می‌شود، ۲۴ زن را بازداشت کرد. جواترین تظاهرکننده بازداشت شده ۱۸ سال و پیرترین آنها ۷۹ سال داشت. انجمن‌های زنان ترقیخواه این اقدام وحشیانه پلیس را نقض آشکار حقوق بشر در آمریکا خواندند. از سوی دیگر در گرینزبورو، در کارولینای شمالی، یک هیئت منصفه سفیدپوست ۵ تن از جنایتکاران گروه فاشیستی کوکلوکس کلان را، که سال گذشته در یک راهپیمایی مسالمت‌آمیز کارگران، ۵ تن را کشته بودند، بعثت «فقدان دلیل» تبرئه کرد. در پی اعلام این رای فرمایشی، هزاران تن از مردم شسر به خیابانها ریختند و دست به تظاهرات آرامی زدند. آنها خواستار مجازات جنایتکاران شدند.

عده‌ای از رهبران شونازی کارولینای شمالی این رای را «پیروزی بزرگ» خواندند.

در ارتباط با این قانون‌شکنی‌ها، مایک وایت، یکی از رهبران سیاهپوست آمریکا، در مادرید گفت:

«دولت آمریکا باید در درجه اول نقض حقوق بشر را در کشور خود مورد بررسی قرار دهد و ببیند آیا معاهدات حقوق بشر در این کشور اجرا می‌شود یا نه»

اجتماع عظیم دانشجویان افغانی به مناسبت روز جهانی دانشجویان

بمناسبت روز جهانی دانشجویان، اجتماع بزرگ، از دانشجویان دانشگاه کابل، انستیتوی پلی‌تکنیک و دیگر موسسات آموزش عالی در افغانستان برپا شد.

صحی مردیجان دبیر روابط بین‌المللی کمیته مرکزی سازمان جوانان دمکرات افغانستان، در سخنان خود در این اجتماع، به اهمیت نقش دانشجویان در تولید اقتصادی و اجتماعی کشور اشاره کرد و متذکر شد:

«دانشجویان باید فعالانه برای اجرای هدفهای انقلاب آوریل و وظایفی که در مرحله دوم انقلاب تعیین شده است، شرکت کنند. مردچان از سوی دانشجویان افغانستان سپاسگزاری عمیق خود را از جنبش‌های دانشجویی دمکراتیک و ترقیخواه جهانی بویژه دانشجویان کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی به خاطر حمایت از مبارزه عادلانه مردم افغانستان علیه امپریالیسم، برتری طلبان چین و ارتجاع جهانی اعلام کرد.

در این اجلاس قطنامه‌ای به تصویب رسید که در آن از دانشجویان افغانی خواسته می‌شود که فعالانه برای اجرای دگرگونی عظیم اقتصادی و اجتماعی در کشور تلاش کنند.

بزرگواران ما را در این مبارزه عادلانه همراهی کنید.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

هدایت‌شونده دشمن را منهدم و فرات مستقر در آنها را به هلاکت رسانند.

خبرنگار خبرگزاری پارس از خط مقدم جبهه در آبادان گزارش داد که، در طول شب گذشته نیروهای انقلاب، با بهره‌گیری از آتش توپخانه، ضرباتی به دشمن وارد آوردند. در این گزارش آمده است که به سبب آتش شدید نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مزدوران بعث عراق دیشب با دادن تلفات حدود یک کیلومتر دیگر از مواضع اشغالی خود در حاشیه جاده آبادان- ماهشهر عقب‌نشینی کردند. در حمله مزدوران متجاوز به یک لودر، که مشغول حفر سنگر برای مدافعان انقلاب بود، لودر منهدم و یک مدافع انقلاب شهید و ۳ تن مجروح شدند. متعاقب این حمله، رزمندگان انقلاب با ایجاد چند خط آتش علیه مواضع متجاوزین در محور جاده‌های آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر آنان را در محاصره قرار دادند. گزارش دیگر خبرنگار خبرگزاری پارس از آبادان حاکیست که «مزدوران عراقی دیشب و بامداد امروز مناطق مسکونی شهر آبادان و نیز پالایشگاه را هدف آتش توپخانه دوربرد قرار دادند. بر اثر این حملات قسمتهایی از پالایشگاه دچار آتش‌سوزی شده و دود غلیظی فضای شهر را پوشانده است.»

براساس اطلاعیه شماره ۳۰۹ ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مستقر در غرب کشور، در روز اول آذرماه، ضربات موثری بر متجاوزین بعثی وارد آوردند و آنان را ناگزیر به عقب‌نشینی کردند. براساس اطلاعیه شماره ۳۱۰ ارتش جمهوری اسلامی ایران، بخشی از فعالیتهای نیروهای رزمنده پاسدار انقلاب و لشکر ۹۲ زرهی در جبهه جنوب، در ۲ روز گذشته شرح داده شده است. طبق این اطلاعیه، در یک نبرد طولانی که از نیمه‌شب ۳۰ آبان تا بامداد اول آذر ادامه داشت، پاسداران انقلاب موفق شدند ۳۷ تن از مزدوران متجاوز را به هلاکت رسانند و ۴ نفر را نیز به اسارت بگیرند. در این نبرد ۲ تن از پاسداران شهید و ۲۲ تن زخمی شدند.

همین اطلاعیه حکایت از نابودشدن ۳ سنگر افراد دشمن، ۱ سنگر مهمات، ۱۰ دستگاه نفربر، ۹ دستگاه تانک و ۶ قبضه توپ دشمن و کشته و زخمی شدن ۱۵ نفر از مزدوران دارد.

این اطلاعیه همچنین خسارات دشمن براتر حمله هواییروز جمهوری اسلامی ایران در حنطه جنوب را، انهدام ۳ چادر مهمات، ۲ دستگاه کامیون، ۳ دستگاه تانکر سوخت، یک پاسگاه فرماندهی در جنوب فکه و یک خودروی استار شده دشمن، و هلاکت ۴۰ نفر و زخمی شدن ۸۰ نفر از نیروهای دشمن اعلام می‌کند.

که «رزمندگان ما پس از تسلط بر مواضع مزدوران مقادیری مهمات دشمن را به غنیمت گرفته‌اند»

در ۲۴ ساعت گذشته در منطقه کوروموش ۱۸ نفر از مزدوران سدام بهلاکت رسیدند و ۱ تانک آنان نیز منهدم شده‌است. درجبهه کوروموش یک نظامی ایرانی نیز به شهادت رسید.

صدای جمهوری اسلامی گزارش داد: «نیروهای دشمن نیز پس از تحمل خسارات شدید، ناجوانمردانه مناطق مسکونی سرپل‌ذهاب را زیر آتش توپخانه دورزن خود گرفته‌اند. خبرنگار دفتر مرکزی خبر از جبهه گیلان‌غرب گزارش میدهد: «دلواران ژاندارمری، سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران به پیشرفتهای قابل توجهی دست یافته‌اند.»

آخرین خبر دریافت شده از این جبهه حاکیست که از امروز صبح (دیروز)، تاکنون، بیش از ۱۰ مزدور سدام در این جبهه به هلاکت رسیده‌اند و مقادیری مهمات و ۲ خودروی دشمن نیز منهدم شده است.

همچنین براساس گزارشی که بامداد دیروز خبرگزاری پارس از گیلان‌غرب ارسال داشت، «رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در یک عملیات چریکی ۱۰ ساعته موفق شدند، ۳ قبضه توپ، ۲ خودرو، یک سکوی پرتاب موشک و مواضع خنجرانداز و چند تانک متجاوزان را در این جبهه نابود و نیروهای دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنند.»

به گزارش خبرگزاری پارس از سومار نیز «خلبانان هلیکوپتر-های هوانیروز در یک سلسله عملیات متبوراانه خطوط تدارکاتی دشمن را قطع و تشکل نیروهای مزدور سدام را برهم زدند.»

این گزارش همچنین حاکیست که «یک کماندوی ارتش بعث عراق که دیده‌بانی توپخانه‌نیروهای دشمن متجاوز را برعهده داشته‌است در جبهه سومار دستگیر شده و پیش‌از ظهر دیروز ۲۰ فرزند هلیکوپتر متجاوز عراقی در آسمان سنقر ظاهر شدند، ولی آتش پدافند هوایی رزمندگان ما آنها را ناگزیر به فرار کرد.»

خبرنگار خبرگزاری پارس، در تماس با مسئول ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایلام کسب اطلاع کرد که، روز گذشته در جریان پاکسازی منطقه مهران از مزدوران بعثی، سپاهیان پاسدار موفق شدند در پاسخ به آتش متجاوزین ۷۰٪ از یک زاغه مهمات آنها را نابود و تعدادی از مزدوران را به هلاکت رسانند. در این نبرد مدافعان انقلاب تلفاتی نداشتند.

گزارش دیگری به‌نقل از سپاه پاسداران حاکیست که «در ادامه این نبردها نیروهای ما موفق شدند دو سکوی پرتاب موشک

دشمن متجاوز در اکثر...

بقیه از صفحه ۱

سوسنگرد با دفاع دلورانه مدافعان انقلاب خنثی شد و تلفات سنگینی به متجاوزین وارد آمد.

خبرنگار خبرگزاری پارس، به نقل از یک مقام آگاه، گزارش داد که در این نبرد ۱۷ تن از مزدوران سدام دستگیر شده‌اند و تعداد زیادی از تانکها و مهمات دشمن نابود شده است.

آخرین خبر در ساعت ۱۳ دیروز حاکی از به آتش کشیده شدن و شعلهور بودن تعدادی از تانکهای دشمن بود. در گزارشی دیگر خبرنگار خبرگزاری پارس از اهواز آمده است: «از ساعت ۶ بامداد امروز (یکشنبه) شلیک توپخانه متجاوزان عراقی، که شب گذشته نسبتاً کاهش یافته بود، بسوی نقاط مسکونی شهر اهواز مجدداً آغاز شد. مزدوران سدام در چند روز اخیر شلیک توپخانه خود به‌سوی مناطق مسکونی شهر اهواز را شروع کرده‌اند.»

ستاد امداد و درمان خوزستان تعداد تلفات درگیریهای شبانه نیروهای خودی را ۲۰ مجروح و یک شهید اعلام داشته است. خبرنگاران خبرگزاری پارس و دفتر مرکزی خبر از غرب کشور گزارش دادند که نبرد میان مدافعان انقلاب اسلامی و متجاوزین سدامی همچنان ادامه دارد.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر از کرمانشاه گزارش داد: «جنگ در مناطق ریجاب و پاسگاه بزمیرآباد به شدت ادامه دارد و ارتش جمهوری اسلامی ایران از شب گذشته تا صبح امروز (شنبه شب تا یکشنبه صبح) با همکاری ستاد عملیات سپاه پاسداران یخس کردند و فدائیان امام ضربات مهلکی به نیروهای دشمن وارد آورده است.»

برپایه این گزارش از ساعت ۶ بامداد امروز (دیروز) تاکنون، بیش از ۲۰ مزدور عراقی در این نبرد به هلاکت رسیده‌اند و یک تانک و چند خودروی سنگین متجاوزان در منطقه بزمیرآباد بدست مدافعان راستین انقلاب اسلامی منهدم شده است.

این گزارش حاکیست که جنگ در جبهه‌های سرپل‌ذهاب و کوروموش نیز به شدت ادامه دارد. در این جبهه‌ها رزمندگان ما موفق به پیشروی شده‌اند. گزارش خبرگزاری پارس در این زمینه حکایت از آن دارد

ضرورت تغییرات بنیادی در بودجه و مالیاتها

نقش مالیاتهای مستقیم در سالم سازی بودجه دولت انقلاب و تجدید بنای اقتصاد ایران بر پایه منافع مردم

ماندگی، از بیش از ۷۵ تا ۹۰ درصد مالیاتها از طریق مستقیم وصول می شود.

بودجه در کشورهای در حال رشد

در حالی که در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، نظیر ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپای غربی و ژاپن و نظائر آن، بر اثر مبارزات اجتماعی طی سالهای طولانی، طبقات سرمایه دار و استثمارگر طبق قوانین مصوبه به پرداخت مالیاتهای مستقیم تصاعدی، که گاه تا ۹۰ درصد درآمد را شامل می گردد، ناگزیر شده اند، در کشورهای در حال رشد سرمایه داری، طبقات استثمارگر همچنان امتیاز عدم پرداخت مالیات بر درآمد را برای خود حفظ کرده اند و با مبالغ بسیار اندکی از این بابت پرداخت می کنند. قوانین مالیاتی در کشورهای در حال رشد، ملاکین و سرمایه داران و استثمارگران را از پرداخت مالیاتهای مستقیم معاف می سازد. در این کشورها درآمد و بودجه دولتی بطور عمده و اساساً به حساب دریافت مالیاتهای غیرمستقیم از مردم تأمین می شود. سهم مالیاتهای مستقیم در درآمد بودجه بسیار نازل است، و گاه حتی به چند درصد رقم درآمد بودجه نیز بالغ نمی گردد.

اثرات اقتصادی - اجتماعی مالیاتها

اثرات اقتصادی - اجتماعی دریافت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم نیکساز نیست. در حالی که اخذ مالیاتهای مستقیم، مثلاً مالیاتهای تصاعدی بر درآمد شرکتها، سرمایه داران، ملاکین و نظائر آنان، وسیله ای، هر چند دارای اثر محدود، برای جلوگیری از تجمع سریع و فوق العاده سرمایه و ثروت در دست معدودی اقشار سرمایه دار و مرفه جامعه است، تکیه بر دریافت درآمدهای غیرمستقیم در بودجه سبب تسریع و تشدید فقر و تنگدستی در میان اکثریت مطلق سکنه می گردد و در همان حال به تمرکز سرمایه و ثروت در دست طبقات استثمارگر سرعت می بخشد. در حالی که کسب مالیاتهای مستقیم، تا حد معین، موجب تعدیل در تقسیم درآمد ملی به سود اکثریت سکنه است و از تشدید فواصل طبقاتی تا حدی میکاهد، دریافت مالیاتهای غیرمستقیم، شکاف بین فقر و ثروت را در جامعه عمیق تر می سازد و فواصل طبقاتی را تا مرز انفجارهای حاد و وسعت می بخشد.

تأثیر انواع مالیاتها بر تورم، گرانی و رشد اقتصادی

پیرامون اثرات اجتماعی - اقتصادی اخذ درآمد بودجه از راه مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم در وضع جوامع سرمایه داری و کشورهای در حال رشد بیش از این می توان سخن گفت. مثلاً می توان به این نکته اشاره کرد، که در حالی که مالیات

آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی و سرپرست ستاد بسیج اقتصادی، در مصاحبه اخیر خود روی یکی از مسائل مهم اقتصادی دارای اهمیت اجتماعی انگشت گذاشت. وزیر مشاور گفت: " دولت تصمیم جدی دارد که با در نظر گرفتن منافع طبقات پایین و کم درآمد، منابع درآمد داخلی خود را از سهم اضافی درآمد طبقات بالا افزایش دهد... (کیهان، ۱۸ آبان ۱۳۵۹)

سخنان وزیر مشاور حاکی از آن است که دولت انقلاب مصمم است در تأمین درآمدهای بودجه، بر دریافت مالیاتهای مستقیم، به عنوان منبع اساسی این درآمدها تکیه کند و تحقق این امر را، هم از نظر مقتضیات جنگ و هم پایه گذاری اقتصاد سالم و تأمین منافع توده های مردم ضروری می شمارد.

چون دولت تصمیم صحیح و درست دولت انقلاب را بیشتر بشکافیم و نقش اخذ مالیاتهای مستقیم را در سالم سازی و تجدید بنای اقتصاد ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب با وضوح بیشتری بیان کنیم، تا اهمیت این تصمیم مهم بر همگان روشن گردد، بحث در این باره از این نظر هم ضرور است که، بدون تغییر بنیادی در نحوه تأمین درآمدهای بودجه و سیستم مالیاتی کشور، تحقق آن نظام اقتصادی - اجتماعی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن نظر دارد، امکان پذیر نخواهد بود.

تعریف بودجه

قبل از پرداختن به اصل مطلب، به جا است که از بودجه دولتی و نحوه تأمین درآمدهای آن از طریق اخذ مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، ولو به اختصار سخن به میان آوریم. بودجه دولتی به طور کلی عبارتست از: صورت درآمدها و هزینه ها در عرض سال، که بوسیله ارگان های ذیصلاح تنظیم و پس از تصویب مقامات قانون گذاری به اجرا گذاشته می شود. ترکیب درآمدهای بودجه و نحوه هزینه ها و منابع و نقوش بودجه، به تبع از رژیم اجتماعی - اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه معین می گردد. بودجه در کشورهای سرمایه داری، طبقاتی است و به تبع از تمایلات و خواستهای محافظ سرمایه داری حاکم بر جامعه تنظیم، تصویب و اجرا می گردد.

بودجه در کشورهای سرمایه داری

بودجه در کشورهای سرمایه داری و جوامع طبقاتی بیابانگر نحوه تقسیم درآمد ملی بین طبقات و اقشار مختلف جامعه است. این تقسیم در جهت تأمین منافع طبقه حاکم، یعنی سرمایه داران، و تثبیت و تقویت دستگاه دولتی حافظ منافع آنان صورت می گیرد. به همین جهت قسمت عمده هزینه های بودجه در کشورهای سرمایه داری متوجه تأمین هزینه های نظامی - پلیسی و دستگاه دولتی است و منابع اصلی تأمین درآمد آن را نیز وضع مالیاتهای تشکیل می دهد که به طور عمده و درجه اول از طبقات زحمتکش دریافت می شود و سال به سال بار آن سنگین تر می گردد.

مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم

نحوه اخذ مالیاتها در بودجه در کشورهای سرمایه داری اساساً به دو صورت انجام می گیرد: یکی اخذ مالیاتهای غیرمستقیم از راه وضع عوارض - گوناگون بر واردات و صادرات، بر کالاها و خدمات، که بار آن به طور عمده به دوش طبقات زحمتکش گذاشته می شود، و دیگری اخذ مالیاتهای مستقیم، که از درآمد شرکتها، سرمایه داران و طبقات استثمارگر اخذ می شود. سهم معینی از مالیاتهای مستقیم نیز از درآمد مختصر کارگران، کارمندان، سایر زحمتکشان و اقشار میانه اخذ می گردد، که طبیعی است بار مالیاتها را بر دوش این طبقات و اقشار سنگین تر

شبهه به جامعه اخیر را دارا بود و هنوز هم اثرات آن، از جمله در زمینه دریافت درآمدهای بودجه از راه مالیاتهای غیرمستقیم، به قوت خود باقی است. به جرات می توان گفت که یکی از عوامل زیربنایی تدارک و تسکین انقلاب فدا مهربانی و خلقی ما را همان بی عدالتیهای فاحش تشکیلی می داد که پایه آن بر گذاشتن بار سنگین تأمین درآمد بودجه های دولتی، به حساب مالیاتهای غیر مستقیم، به دوش طبقات زحمتکش جامعه استوار شده بود. تضاد فاحش طبقاتی و تجمع خارق العاده فقر و ثروت در دو قطب مخالف عملاً نتیجه تحمیل چنین بودجه هایی به این مملکت بود، زیرا در حالی که درآمدهای بودجه بطور عمده به حساب دریافت مالیاتهای غیرمستقیم از مردم و زحمتکشان کشور تأمین می گشت، هزینه های آن نیز به طور عمده به تأمین منافع و مقاصد اقلیت استعمارگر و زورگو و غاصب دارو دستچما بیتکا رپهلوی، سرمایه داران وابسته، بزرگ مالکان، غارتگران طفیلی اختصاص داده شده بود.

امپریالیسم و سیستم مالیاتی تحمیلی در ایران

با پیدایش نظام سرمایه داری در تمام بودجه های بی که در نیم قرن سلطه دربار فاسد پهلوی به ایران تنظیم می گردید، اصل بر تحمیل بار سنگین هزینه های بودجه بر دوش توده های محروم و زحمتکش جامعه گذاشته شده بود. طبقات استثمارگر و طفیلی حاکم در این سالها نه فقط به برکت حمایت رژیم ننگین دست نشانده سلطنتی، بلکه هم چنین از دولت سر پشتیبانی دول امپریالیستی و انحصارات نفتی و غیر نفتی آنان، که در ایران فعالیست داشتند، از پرداخت مالیاتهای مستقیم، یعنی مالیاتهای بر درآمد معاف نگاه داشته شدند. دول امپریالیستی در عدم پرداخت مالیاتهای مستقیم شرکت های غارتگر خود در ایران دینفع بودند. به همین جهت آنها تنظیم بودجه های را به دولت های دست نشانده ایران دیکته می کردند، که در آنها دریافت مالیاتهای مستقیم، یعنی مالیات بر درآمد، سهم بسیار ناچیزی را از درآمدهای بودجه تشکیل می دادند، مثلاً در حالی که انحصارات نفتی امپریالیستی در کشورهای خود مالیات سنگینی بر سرمایه داران و درآمدهای حاصله از نفت می پرداختند، در ایران همین شرکتها یا از پرداخت مالیات بر درآمد معاف بودند و یا سهم بسیار ناچیزی میدادند. هنگامی که نفت معلوم شد که اگر شرکت غاصب انگلیسی نفت مالیات بر درآمد را به ایران پرداخت می کرد، سهم درآمد ایران از نفت در آن تسلط غاصبان آن، ده ها بار بیش از میلی بود که به بابت درآمد به ایران پرداخته بود.

همین وضع در ربع قرن تسلط کنسرسیوم بین المللی نفت در باره ایران اجرا شد، که در نتیجه ده ها صدها میلیارد دلار حق ایران بوسیله این هیولای غارتگر امپریالیستی نفت تزیین گردید، و مناسفانه تا همین امروز هم استیفا حقوق ایران در این باره مسکوت باقی مانده است.

تنها انحصارات نفتی امپریالیستی نبودند که از پرداخت مالیات مستقیم یعنی مالیات بر درآمد، عملاً معاف بودند. مدها انحصار امپریالیستی دیگر به صورت شرکتها یا مقاطعه کاری، بازرگانی، صنعتی، کشاورزی، بانکی، بیمه ای، خدماتی و نظائر آن، عملاً از معافیت مالیاتی و عدم پرداخت مالیات بر درآمد تصاعدی، حتی به نرخ هایی که در کشورهای خود آنان جاریست، سود می بردند. سرمایه داری وابسته خائن ایران و دستگاه دولتی خائن زمان طاغوت، به مسئله دریافت مالیات مستقیم از انحصارات امپریالیستی به چشم اغماض می نگریستند، زیرا اولاً خود خادم امپریالیسم و استعمار نو بودند و چاره ای جز قبول تحمیلات آنها نداشتند و ثانیاً در سایه این اغماض، خود "ارتزاق" می نمودند و از شن در دادن به پرداخت

مردم را تسریع می کند، تکیه بر دریافت مالیاتهای مستقیم به این جریان تا سالم تا حدی مهار می زند و در جلوگیری از اختلال اقتصادی تأثیر می بخشد. یا این که در حالی که تکیه بودجه بر مالیاتهای غیر مستقیم به رونق اقتصادی لطمه می زند و امر پیشرفت تولید اجتماعی را دچار وقفه می سازد، بر دریافت مالیاتهای مستقیم چنین اثراتی مترتب نیست. علی رغم ادعای سرمایه داران، که دریافت مالیاتهای مستقیم یعنی مالیات بر درآمد، را مانع از رشد اقتصادی می دانند، دریافت این نوع مالیاتها در تسریع رشد اقتصادی اثر می گذارد. رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته سرمایه داری، که در آن ها گاه تا ۹۰ درصد درآمد بنگاه ها و شرکت های سرمایه داری بابت مالیات بر درآمد، اخذ می گردد، دلیل روشن این واقعیت است.

مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم و عدالت اجتماعی

وضع دریافت مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم هم چنین نشان آشکاری از وجود و یا عدم وجود عدالت نسبی اجتماعی در جامعه مفروض را ارائه می دهد. در جامعه ای که دریافت مالیاتهای مستقیم در درآمد بودجه سهم نسبتاً بیشتری دارد، طبیعی است که - ولو به طور نسبی - عدالت اجتماعی گسترده تری - تا آنجا که در جامعه سرمایه داری چنین عدالتی ممکن و میسر است - حکم فرم است، زیرا حداقل این است که از طریق دریافت مالیاتهای مستقیم، بخشی از درآمد هائی که تولید کننده آن خود مردم هستند، ولی به جیب سرمایه داران می ریزد، به صورت مالیاتهای مستقیم، مثلاً مالیات بر درآمد، از سرمایه داران گرفته و صرف هزینه های عمومی بودجه می شود.

اما در جوامعی که درآمدهای بودجه آنان بطور عمده از راه دریافت مالیاتهای غیرمستقیم تأمین می گردد، معنی این کار این است که هزینه های عمومی مملکت نیز به حساب همان سهم ناچیز از درآمدی تأمین می شود، که توده مردم و زحمتکشان، در نتیجه نهائی، به صورت دستمزد و یا حقوق - های قلیل و کم دریافت می دارند. در این جا سرمایه داران از پرداخت سهمی ولو ناچیز، برای نگاه داری دولتی که حافظ منافع آنان است، معاف اند و هزینه های عمومی بودجه به حساب مالیاتهای غیرمستقیم تأمین می شود که مثلاً از قند و شکر مصرفی زحمتکشان دریافت می گردد. ناگفته پیداست که در چنین جامعه ای، عدالت اجتماعی که وجود ندارد هیچ، بلکه ظلم و بی عدالتی اجتماعی به نحو بارز و کمر شکن بر آن مستولی است.

مالیاتهای غیر مستقیم و تضاد فاحش طبقاتی در جامعه ایران

جامعه ایران، در تمام سال های

فقت فروشها از حقوق قانونی بی بهره اند

خانه های ما را گرم می کنند و خود، زندگیشان سرد است



لارم برای هر محله توسط دولت تعیین می شود. و هر فروشگاه نفتی که بخواهد ایجاد شود، دولت باید به آن اجازه دهد. ولی کارگران آن یعنی نفت فروشها از مابای دولتی بی بهره اند و قاعدتا نیز از هیچ گونه حقوقی که برای سایر کارگران تعیین می شود استفاده نمی کنند و درآمدشان ناچیز است.

صبح از حادث حرکت شم با سوام ۷/۵ به سرکار برسم. در همین خیابان مجیدیه خانه کوچکی گرفته ام و ماهی ۱۵۰ تومان کرایه می دهم و هفته ای یکبار به خانه می روم. اگر یکروز کار نکنم حقوق ندارم. و با این گرانی هم پسانداز می شود کرد. اغلب نان جالی می خورم تا بتوانم زندگی را جور کنم. ادامه می دهد. "انتظارم از دولت این است که کار درست کند تا زندگی ما اینطور سخت نگردد."

نفت فروشها، زحمتکشانی هستند که علی رغم کار زیاد و طاقت فرسا، زندگی ناسامان و پر مشقتی دارند. اینها اکثر روستائیان هستند که برای به دست آوردن مایحتاج زندگی روانه شهرها شده اند ولی در آنجا نیز با مشکلات اساسی روبرو هستند.

درآمد این قشر زحمتکش از فروش نفت است و کارشان بیشتر در زمستانها رونق دارد. امسال که به خاطر درگیری با عراق و جنگ تحمیلی آن دچار کمبود نفت هستیم، این فرس و وظایف ویژه ای دارد و اغلب افراد متعهد و آگاه آن می گویند به یاری مردم بشتابند و سختی ها و کمی درآمد را تحمل کنند و سهم خود را برای مقابله با توطئه های آمریکا ادا کنند. به هر صورت مشکلاتشان را از زبان خودشان می شنویم: مهذی صدی ۳۰ ساله اهل ده کلخوران اردبیل است. درباره زندگی می گوید: "دو اتاق در دولت آباد دارم. ماهیانه ۳۶۵ تومان قسط به بانک رهنی می دهم. خودتان می دانید، این اواخر وضع نفت تعریفی ندارد. تابستان هم فروش کم است. به شعبه ما هر ۸ تا ۱۰ روز یک تانکر چهارده هزار لیتری نفت می رسد و ما ۶ نفر هستیم که با نظارت کمیته و افراد بسیج آن را به درخانه ها در ظرف های بیست لیتری می بریم. هر ماشین تانکر نفت که به فروش می رود ۱۴۰۰ تومان برایشان دارد. و این پول هم ۶ قسمت می شود" (با این حساب روزانه سهم هر کدام حدود ۳۰ تومان می شود).

از گرانی بسیار ناراحت است و می گوید: "ما شرکت تعاونی، بیمه و شورا و سندیکا نداریم، وگرنه حالا که هفته ای یکروز کار می کنیم لااقل به دادمان می رسید." فحاح عزیز زاده ۲۰ ساله در خیابان طوس نیز حرفهایش شباه مراد است و می گوید: "با این وضع روزی ۴۰ تومان درآمدمان است در حقیقت به خاطر این که هم گرسنه نمائیم و هم به خاطر مردم کار کرده باشیم به این کار ادامه می دهیم." همراه او دونفر از کمیته محل هستند که در پخش عادلانه نفت نظارت می کنند. محمد واحدی جوانی ۲۴ ساله و اهل اردبیل است، سواد ندارد و می گوید: "روزانه ۴۰ تا ۴۵ تومان درآمد داریم و امید ما به زمستان است که اگر نفت باشد کمی درآمدمان بیشتر شود." و ادامه می دهد: "ماهی ۲۵۰ تومان اجاره یک اتاق مخروبه را می دهم و این دوساله که به تهران آمده ام و افزایش زندگی سختی دارم."

برادرش رمضان واحدی ۲۹ ساله و در انتهای دامپزشکی کار می کند. وی می گوید: "آقا بیمه نیستیم" دستپاچ را بالای میزند و زخمهای دستش را نشان داده می گوید: "با بدبختی دکتر رفتن و معلوم شد بدتم به نفت حساسیت دارد و خیلی باید خرج کنم تا اینها خوب شود." از گرانی بسیار ناراحت بود و قسم می خورد که حتی لباسهایش را هم مشتری ها بدهد. محمد صادقی ۶۰ ساله است و در یکی از نفت فروشی های خیابان هاشمی کار می کند. می گوید: "۱۵ سال است به این کار مشغول هستم و حالا روزانه ۳۵ تومان حقوق ثابت دارم و توی شعبه فروش نفت کار می کنم. بعضی روزها هم با چرخ نفت می برم. چون زورم نمی رسد چرخ را ببرم روزی ۲۰ تومان بیشتر گیر نمی آید."

در خیابان حق شناس منطقه عباسی، با شفیق جعفرزاده صحبت می کنیم. می گوید: "۶۲ سال دارم و ۵ نفر را با روزی ۷۰ تومان درآمد باید خرج بدهم. بیمه هم نیستیم این دوساله هم درآمد خوبی نداشته ایم. من می خواهم ملک طوری باشد که یگی پولدار و یکی بی پول نباشد." در جوادیه با عروج علی احمدی به گفتگو می نشینیم. "ما اهل روستاهای تبریز است. وی می گوید: "زندگی با این درآمد روزی ۵۰ تومان نمی گذرد. خیلی سخت است. اگر در دهان بهمن زمین بدهند حتما برمی گردم سر کار کشاورزی."

در خیابان مجیدیه پای صحبت رجبعلی بیگدلی می نشینیم. اهل ده امین آباد زنجان است و ۱۲ سال پیش به تهران آمده و همسر و ۲ فرزند دارد. درباره وضعیتش می گوید: "خانم دراکر آباد جاده ساوه است و با این روزی ۸۰-۷۰ تومان درآمد حداقل روزی ۱۵ تومان پول ماشین می دهم و باید ساعت ۵

کارگران بخاطر خندان کردن پسته از جانشان مایه میگذارند

شهرستان رفسنجان به خاطر وجود باغ های زیاد پسته به منطقه ای طلای سبز مشهور است. بیشتر این باغات در مالکیت بزرگ مالکین و فئودالهاست. این طلاها وسیله دستهای کارگران جمع آوری و با داندان های کارگران خندان می شوند و در بازارهای داخلی و خارجی (توسط بزرگ مالکان) به فروش می رسند و درآمد آنها یکسره به جیب مالکین سرازیر می شود. کار کارگران این منطقه فصلی است. آنها پس از اتمام محصول پسته عموماً بیکار می شوند.

روستای "کوترریز" در بیست و سه کیلومتری رفسنجان قرار دارد. در این روستا حدود سیصد خانوار زندگی می کنند و جمعیت آن بالغ بر هزار و هفتصد نفر است. بیشتر اهالی کارگر مزدبگیر ارباب های ده هستند. در کوثر ریز جمعاً پنج کارگاه پسته پوست کنی وجود دارد.

در یکی از این کارگاه ها پنجاه نفر کارگر زن که سن بعضی از آنها کمتر از شانزده سال است و همچنین پنج نفر کارگر مرد مشغول به کارند. پنج تن از زنان به صورت روزمزد کار می کنند. دستمزد سایر کارگران بسته به مقدار پسته ای است که جمع آوری و یا خندان می کنند.

به ازای هر سه کیلو خندان کردن، کارگران چهارصد ریال دستمزد دریافت می دارند. در بیشتر کارگاه ها، پسته های خندان به وسیله انبرک مخصوص خندان می شوند، ولی عده ای از کارگران به خاطر این که مقدار بیشتری از پسته ها را خندان کنند از دندان های خود برای این کار استفاده می کنند. به علت وجود میکرب در این پسته ها و خندان کردن بخشی از آنها توسط دندان، اغلب کارگران به امراض مختلف و فاسد شدن دندان های خود مبتلا هستند. یکی از کارگران به نام فاطمه بمانی اظهار داشت: "من دارای شوهر و یک بچه هستم. شوهرم خشت مال است و درآمد ناچیزی دارد، بنا بر این مجبورم کار کنم."

ما معمولاً پسته را به وسیله دندان خندان می کنیم. چون پسته ها ملو از انواع میکرب است کارگران به امراض مختلف مبتلا میشوند. وی افزود که: "هیچ یک از کارگران اینجا بیمه نیستند و محیط کار نیز غیر بهداشتی و پر از مگس و کثافت است که خود باعث انتقال بیماری است." یکی دیگر از کارگران به نام عصمت پاریزی گفت: "هر روز صبح از ساعت شش تا ظهر و از ساعت دو بعد از ظهر تا غروب به صورت روزمزد کار می کنم و فقط روزی چهار تومان مزد می گیرم. دارای پنج فرزند هستم و در سال فقط بیست و دو تومان هم فصل محصول پسته می توانم اینجا کار کنم که از این بابت پول چندانی گیرم نمی آید. برای این که درآمد بیشتری داشته باشم، بچه هایم را هم که در سنین پائین هستند با خودم به اینجا می آورم تا آنها نیز کار کنند." یکی از کارگران که در حال جابجا کردن نخاله های پسته بود گفت: "کارم معمولاً با این کثافتات است که سویی تعین می دهد. روزی ده تا دوازده ساعت کار می کنم و شصت تومان مزد می گیرم و اجباراً از کارم راضی هستم. چون فلاحت کاری زیاد است و این کار خود غنیمتی است چون چارهای جز این ندارم."

سندیکای کارگران تأسیسات حرارت مرکزی و تهویه مطبوع تهران و حومه آمادگی خود را برای مقابله با تجاوز رژیم صدام و شرکت در ترمیم و بازسازی ویرانیهای جنگ اعلام می دارد

سندیکای کارگران تأسیسات حرارت مرکزی و تهویه مطبوع تهران و حومه طی اطلاعیه ای آمادگی خود را برای مقابله با تجاوز صدام و شرکت در ترمیم و بازسازی ویرانی های جنگ اعلام داشته است.

در این اطلاعیه از جمله آمده است: "امپریالیسم زخم خورده آمریکا زوزه جدیدی بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ما سر داده و اینبار نفیر و ناله مشغوم این استکبار جهان خوار از حنجره سگ قلاده بگردن او صدام خائن و دولت بعثی عراق بیرون آمده است. لکن میهن انقلابی و این ملت بیباک خواسته یکبار دیگر فغان غارتگرانه متجاوزین به آزادی و استقلال و جمهوری جوان اسلامی ما را در گلو خفه خواهد نمود."

اینک سراسر جنوب و غرب میهن عزیز ما به آوردگاه حماسه ساز دلیران بدل شده و پشت زرخیز این خطه از وطن بخون نشسته ما را خون شهیدان انقلاب اسلامی سیراب و بارور نموده است. نسل انقلاب آفرین ما متحد و یکپارچه در جبهه های نبرد عادلانه با تجاوز بعثی های آبرویاخته سرود ایثار و شهادت سر داده اند. کارگران و زحمتکشان، این مدافعان بیگنبر و راستین انقلاب، که بتاکید دژ استوار بیکار ضدامپریالیستی وطن ما، امام خمینی بت شکن، و ارثان اصلی انقلاب اسلامی وضدامپریالیستی اند، در این آزمایش دوران ساز آمده نبرد متحد و انجام رسالت تاریخی خود در دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی بوده و هستند.

سندیکای کارگران تأسیسات تهران، بعنوان بخشی از سندیکاهای راه و ساختمان، ضمن اعلام آمادگی مجدد برای شرکت مجدانه در جبهه های نبرد و کمک فعال و ترمیم ویرانیهای ناشی از تجاوز وحشیانه و غارتگرانه رژیم بعثی عراق، از همه برادران عضو سندیکا و صف می خواهد که جهت دستیابی به وحدت عمل یکپارچه در انجام این وظیفه بزرگ میهنی موارد زیر را توجه نمایند:

- ۱- جهت ثبت نام برای آموزش نظامی و کسب آمادگیهای رزمی همه روز می توانید به دفتر سندیکا مراجعه نمایید.
- ۲- برای شرکت و بازسازی ناشی از ویرانیهای جنگ آماده شده و میزان تخصصهای مربوط و امکانات عملی خود را به سندیکا اطلاع دهند.
- ۳- با نیروهای مسلح و سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی مستمراً همکاری نمایند.
- ۴- کارخانه و کارگاه را به دژ دفاع از انقلاب جمهوری اسلامی بدل نمایند.
- ۵- به رزمندگان صفوف رزم، به هر اندازه که مقدور باشد، کمک کرده و امکانات نقدی و جنسی خود را در اختیار مسئولان مربوطه بگذارند.
- ۶- با شرکت فعال در شوراهای محلی ستادهای بسیج بت تخفیف مشکلات ناشی از وضعیت اضطراری موجود بپردازید و خانواده شهدا و هموطنان نیازمند را حمایت کنید.

آدرس سندیکا: دروازه شمیران سر خیابان مهدی رضائی (خورشید سابق) پلاک ۷ تلفن ۷۵۹۲۷۴ - جلسات هفتگی صنف روزهای پنجشنبه ساعت ۱۲/۵ الی بعد از ظهر

مرکز بر امپریالیسم توطئه گر آمریکا یکپارچه تریاد اتحاد کارگران و زحمتکشان در سازمانهای صنفی و سندیکایی

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

توطئه جدید ضد انقلابی فتووالها: تخریب کشتزارها و شخم مزارع زیر کشت

حمله متقابل فتووالها و اعمال آنها، به تائید امام خمینی از تصمیم فقهای سگانه در پایان مهر ماه ۵۹ دستورالعمل اجرای قانون اصلاحات ارضی، یعنی ادامه کار هیئت‌های هفت نفری در آغاز آبان ماه ۵۹، بقدری لجام گسیخته و خشم‌آلود بود که وزارت کشاورزی ناچار شده است یک "اخطار شدید به فتووالها و ضدانقلاب" صادر کند.

وزیر کشاورزی در اطلاعیه ۲۵ آبان ۱۳۵۹ خود فتووالها را به حق در کنار ضد انقلاب قرار می‌دهد و به درستی اعمال خرابکارانه این غارتگران سودجو و فاسد را اعمال ضد انقلابی و فرصت طلبانه می‌داند.

و اقوام بزرگ مالکان مستمرد در حمله جنون آمیز خود به تصمیمات انقلابی دولت جمهوری اسلامی ایران و در برورش به هیئت‌های ۷ نفری، هیچگونه حدود مرزی نمی‌شناسند، زیرا که این هیئت‌ها، در صورت اجرای سریع و پیگیر قانون، می‌توانند مظهر اقدام قاطع در جهت منافع حیاتی میلیون‌ها دهقان و تاسین مصالح زرف انقلاب ما باشند.

بزرگ مالکان با انقلاب مخالفند. آن‌ها در کینه کور طبقاتی خود و در غرض خشم‌آلود و سودجویانه خویش کف بر لب آورده‌اند. آن‌ها همدستان لیبرال خود را به میدان نبرد علیه انقلاب و علیه ضرورت اصلاحات ارضی فرستادند. آن‌ها هم کاسه‌ها و عمال روحانی‌نمای خود را به نام "اسلام" و "ادار به تکفیر و غیراسلامی جلوه دادن اصلاحات ارضی کردند، گوئی که اسلام مخالف رسیدن حق به حق‌دار و زمین بدهقان است. ولی روحانیت مبارز مشت آنها را باز کرد

مجدد قانون واگذاری زمین و بعد از آن که امام خمینی نیز تصمیم زبور را تائید کرد، کمر دومین مرحله توطئه اربابان شکست، حالاً اربابان سومین مرحله توطئه خود را به صورت تخریب کشت، انداختن تراکتور روی مزارع دهقانان، شخم زدن زمین‌های زیر کشت، ادامه می‌دهند. هدف این چپاولگران فاسد و این ضدانقلابیون گستاخ نگاهداشتن زمین‌ها و سوءاستفاده از زمینموند کشت هر چه بیشتر زمین توسط کشاورزان و از اطلاعیه‌های مقامات مربوطه در زمینه کشت سال جاری است. این مقامات این اطلاعیه‌ها و تاخیر افتادن عملی که می‌بایست تاکنون انجام و تمام شده باشد، موجب شده است که اربابان خونخوار فرصت سوءاستفاده را پیدا کنند و امید خاصی در دل زنده کنند و بار دیگر دست به تهاجمی بزنند که به حق "اخطار شدید" وزیر کشاورزی را به دنبال داشت.

وزیر کشاورزی به درستی اقدام خائنانه فتووالها و ضدانقلاب را در چارچوب شرایط حساس، به ویژه جنگ تحمیلی دار و دسته صدان و محاصره اقتصادی آمریکا، مطرح می‌کند. این چارچوب عمق ماهیت ضدانقلابی فعالیت‌های بزرگ مالکان را برجسته‌تر می‌سازد، زیرا خصلت براندازی و ضد میهنی و ضد مردمی آن را آشکارتر نمایان می‌کند. البته در این شرایط حساس، اتخاذ تدابیر فوری و "انجام اقدامات عاجل برای بلا بردن سطح تولید نیاز و اقامتی کشور ماست. درست همین نیاز حیاتی است که با سوءنیت و ناجوانمردانه، بر شالوده غرض کور طبقاتی و استثمارگرانه، توسط

زمین‌ها را باید هرچه زودتر به دهقانان زحمتکش داد

الفای بزرگ مالکی و طبقه مضمینی است برای زیر کشت بردن همه زمین‌های قابل کشت

بزرگ مالکان، مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. آنها فرصت لحظه را، مزورانه غنیمت شمرده‌اند. آنها از کم کارها و ناپیگیرها و تاخیر در پایان کار هیئت‌های هفت نفری، از تعویق انجام اصلاحات ارضی، که می‌بایست ماه‌ها پیش به اتمام رسیده باشد، سوءاستفاده کرده‌اند. آنها می‌خواهند در مهلتی که تا پایان کشت جاری داده می‌شود، توطئه خود را عملی کنند. در واقع به نظر می‌رسد که از فحوازی اطلاعیه‌ها و اظهارات، بوی تعویقی موقتی در اجرای قانون و به ویژه در قسمت اصلی هسته مرکزی آن - الفای بزرگ مالکی - به مشام شوم آنها رسیده است. اگر چه بزرگ مالکان کور خوانده‌اند، ولی واقعیت اینست که حالا به زور چماق داران و از راه شخم زدن مزارع کشت شده، بار دیگر وارد میدان شده‌اند. چه باک اگر در این میان مزارع نابود می‌شود و کشت به هدر می‌رود و کشور بدون محصول می‌ماند و مردم گرسنه و ناراضی و نیازمند می‌شوند، برای فتووالها و ضدانقلاب این کمال مطلوب است. آنها در صد دند جمهوری اسلامی ایران را در زمینه حل مسئله ارضی شکست دهند و محتوی مردمی حمایت از مستضعفین دهات را از انقلاب سلب و آن را مسخ کنند، زیرا که ادامه وجود بزرگ مالکی و تداوم استثمار و استثمار اربابی، سوارو است با مسخ انقلاب، مغایر است با پیروزی و پیشرفت آن. این کمال مطلوب آنها و لیبرال‌های جانبدار آنها و روحانی‌نمایان هم‌گامه آنهاست. آنها در صد دند زمین‌ها را در دست خود نگه دارند و نگذارند حق به حق‌دار و زمین به دهقان برسد.

این واقعیت نشان می‌دهد که چقدر برچیدن بساط بزرگ مالکی، آن هم از ریشه و در تمامی ابعاد آن، در همه جای کشور و بدون استثنا، ضرورت حیاتی برای انقلاب ما دارد. ضرورت حیاتی... ضرورت حیاتی... شرایط جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی، که به درستی مورد اشاره وزارت کشاورزی است، نشان داده که اربابان در کنار دشمن مهاجم و متجاوز، تابع آمریکا محاصره‌گر و زورگو، در صف ضد انقلاب و جزئی از آنند. ما نمی‌توانیم روی پایایستیم و به جلو رویم، مگر آنکه زنجیرهای کهن، فاسد و فاسد کننده، بزرگ مالکی را از پای جامعه برداریم. وظیفه انقلابی ماست که خطر این توطئه‌ها و خرابکاری‌ها را به کفی و از ریشه از بین ببریم و بزرگ مالکی را، از راه دادن کلیه زمین‌ها به دهقانان زحمتکش، برچینیم.

وزیر کشاورزی در اخطار شدید خود به فتووالها و ضد انقلاب اعلام کرده که: کلیه تصمیمات هیئت‌های هفت نفری به قوت خود باقی است و اگر زمین‌هایی کشت نشده باشد، باید طبق دستورالعمل به زیر کشت رود و ستاد مرکزی واگذاری

پس اربابان باید بدانند که قانون به قوت خود باقی است و حتما و مسلماً عملی می‌شود و ستاد مرکزی واگذاری زمین هم باقی است و همچنان عمل می‌کند و مرجع رسیدگی است. به اربابان باید فهمانده شود که جلوی انقلاب ما خواست حقه دهقانان و پیشرفت جامعه را نمی‌توانند بگیرند. نیروی لیبرال‌ها در مقامات مختلف سابقاً بیشتر و حالا کمتر - که "شوراهای کشاورزی" مرکب از بزرگ مالکان و واسطه‌ها، مظهر آن بوده‌هستند عاجزتر از آن است که بتوانند جلوی انقلاب را بگیرند. تزویر روحانی نمایان و عاظ السلاطین و عاظ الملکین که اعمال فشارها بر هیئت‌های ۷ نفری و تعویق کار آنها و فتواهای کذابی و تکفیرهای مظهر آن بوده و هست، زبون‌تر از آنست که از عهد ما انقلاب برآید. و البته اعمال زور و خرابکاری مستقیم، که تخریب مزارع و شخم زدن زمین‌های زیر کشت، با سوءاستفاده از تاکیدیات کشت بیشتر و فرصت طلبی از تعویق عملی واگذاری زمین، مظهر آن شده است نیز در برابر انقلاب شکست خواهد خورد. این واقعیت را دهقانان زحمتکش ایرانی با بسیاری واگامی خود، با تکیه بر نهادهای انقلابی و همکاری با بسیاری از عناصر شریف و متعهد سپاه و جهاد و هیئت‌های ۷ نفری، با مشارکت خود در اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب و حضور خود در صحنه بزرگ رویارویی حق و باطل، به اربابان زورمستور خواهند فهماند. دیگر دوران حقه‌بازی‌ها، زورگوئی‌ها، تزویرها و سوءاستفاده‌ها به سرآمده است. انقلاب برای آنکه تحکیم و پیروز شود، باید به جلو رود و خس و خاشاک بزرگ مالکی را از سر راه بردارد، باید از این جریان بند گرفت و دید چقدر اجرای هر چه زودتر قانون ضرورت حیاتی دارد. مالکان بزرگ از تاخیر و تعویق سوءاستفاده می‌کنند، تا به انقلاب ضربه زنند و منافع غارتگرانه خود را حفظ کنند.

وظیفه مبرم همه دهقانان است که توصیه کشت هر چه بیشتر را عملی کنند. وظیفه مبرم همه مقامات است که اجرای هر چه سریع‌تر قانون واگذاری زمین‌ها را تأمین کنند. دهقانان، مقامات مسئول و متعهد، نهادهای انقلابی باید دست در دست هم این دو وظیفه را، که با هم ارتباط نزدیک دارند، به انجام رسانند. این دو وظیفه لازم و ملزوم یکدیگرند. بزرگ -

مالکان خرابکارند، آن‌ها کشت نمی‌کنند و نمی‌گذارند محصول بیشتر به دست آید. زمین‌های کشت شده را شخم می‌زنند و تخریب می‌کنند. زمین‌ها را با بایر نگه می‌دارند، یا برای فریب و کلاه شرعی یک مشت بذر روی مقدار زیادی زمین می‌ریزند، تا از کشت دهقانان جلوگیری کنند. تنها دهقانانند که در کشت هر چه وسیع‌تر به سود انقلاب و کسب محصول هر چه بیشتر، برای مقابله با دشمن جمهوری اسلامی ایران ذینفع هستند. اگر زمین‌ها مال خود دهقانان باشد، کار آنها پرشورتر، پرثمرتر، وسیع‌تر و همه‌گیرتر خواهد بود. هر چه زودتر بهتر، از یاد نترسیم که ۲۲ ماه دیر شده، و هر روز که می‌گذرد، بر ماه‌های تاخیر، افزوده می‌شود و زمینه توطئه و خرابکاری فتووالها باقی می‌ماند.

آری، فتووالها و ضد انقلاب برابرند. این اخطار شدید به آنها کاملاً درست است. به علاوه به آنها باید صراحتاً گفت که عمر بزرگ مالکی به سر رسیده است. آنها باید بدانند که جامعه ما، انقلاب بزرگ ما و همه دهقانان زحمتکش اجازه نخواهند داد نقشه‌های شومشان عملی شود. شک نیست که بزرگ مالکان نه از سیاست‌های واژده و کنگره‌بازی‌های لیبرال‌ها و نه از اقدامات روحانی-نمایان هم کاسه خود، که علیه روحانیت مبارز قد علم کرده‌اند، و نه از تخریب جنون آمیز کشت و محصول، طرفی نخواهند بست. شک نیست که آخرین دست و پازدن‌های بزرگ مالکان، که کار راحتی به سوءاستفاده از تاکیدیات آیت‌الله منتظری و از اطلاعیه‌های مقامات مسئول می‌کشاند، شکست خواهد خورد. ولی به یاد داشته باشیم که آنها، هنوز می‌توانند مشکلاتی جدی ایجاد کنند، جامعه را در تنگنا قرار دهند، تشنج آفرینی کنند، قحطی و گرسنگی بیافرینند، بمثابه ستون پنجم دشمن علیه انقلاب خرابکاری کنند.

باید هرچه زودتر و هرچه قاطع‌تر به عمر شوم، پرازنگ و فساد، غارت و ستم نظام بزرگ مالکی پایان داد و نباید گذاشت که آخرین دست‌وپا زدن‌های ضدانقلابیون فتووال خلی طول بکشد و خرابی نه بار آورد. هر چه زودتر باشد، بیشتر به نفع انقلاب است. هر چه قاطع‌تر باشد، بیشتر به نفع توده مردم است، به ویژه در این شرایط حساس جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی.

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

ضرورت

در اجرای تحولات بنیانی در جامعه خود بشویم. ایجا دستگیریات اساسی در تنظیم و تصویب بودجه کشور، منجمله استقرار اساسی منابع درآمد بودجه برداریات مالیات‌های مستقیم، یعنی اخذ مالیات بر درآمد‌های تصاعدی، که باید از شرکتها، سرمایه‌داران، زمین‌داران، مستغل‌داران، ارث و نظائر آن گرفته شود، یکی از تصمیمات بسیار مهم انقلابی است.

ضرورت چنین اقدامی که خوشبختانه مقامات دولت انقلابی نیز بدان توجه دارند، نه تنها از مقتضیات ویژه‌ای ناشی می‌شود که حالت اضطراری جنگ برای کشور ما پیش آورده است بلکه تجدید نظر و انجام تغییرات بنیادی در اخذ درآمد‌های بودجه از راه مالیات‌های مستقیم بر سرمایه و ثروت، به هر شکلی که فعالیت داشته باشند، از ضرورت‌های تحقق واقعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، در عمل است. تصمیم دولت انقلاب، چنان که در ابتدا به اظهارات وزیر مشاور اشاره کردیم، دارای یک چنین اهمیتی است. طبیعی است که نه تنها از نظر منابع درآمد، بلکه از نظر هزینه‌ها نیز باید در بودجه تجدید نظر شود و در آن تغییرات بنیادی در جهت تحقق هدفهای اقتصادی - اجتماعی انقلاب به عمل آید. اما این بحث دیگری

بقیه از صفحه ۳ می‌کردند.

ضرورت تغییر بنیادی در بودجه و مالیات‌ها در دوران پس از انقلاب

چنین بوده است وضع بودجه و مالیات‌ها در کشور ما. اگر این وضع ادامه می‌یافت، جای تعجب بود. در هم نوردیدن چنین بساط غارتگری - که ما فقط به یک گوشه آن در مسائل مالیات‌ها و به نام درآمد بودجه اشاره کردیم - توسط انقلاب ضد-امپریالیستی و خلقی امری کاملاً طبیعی و قانونمند است. اکنون انقلاب بزرگ خلق ما به رهبری امام خمینی پیروز گشته و کام‌های اولیه مهمی را نیز در سرکوب ضد-انقلاب و توطئه‌های گوناگون امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با موفقیت برداشته است. جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار و صدام به عنوان دشمن توطئه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی علیه موجودیت جمهوری اسلامی ایران سرنوشتی جز شکست ندارد. توطئه‌های دیگر ضد-انقلاب داخلی و امپریالیسم آمریکانیز همین سرنوشت را خواهد داشت و قادر به گزند اساسی به انقلاب ایران نخواهند بود.

تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی، راه را برای تشکیل جبهه متحد خلق هموار خواهد کرد

نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»

جلسه نوبتی «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۹ تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسش‌های مطرح شده در این جلسه پاسخ گفت. بخشهایی از این «پرسش و پاسخ» در شماره‌های قبل «نامه مردم» به چاپ رسید و بقیه آن در این شماره درج میگردد.

س: روابط سیاسی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای سوسیالیستی چگونه می‌بینید و به نظر شما گرایش آینده این روابط در چه سمتی خواهد بود؟

ج: در این مورد باید گفت که در این زمینه از طرف کشورهای سوسیالیستی، از طرف جامعه کشورهای سوسیالیستی، هیچ مانعی وجود ندارد، به استثنای چیزی که از این جامعه به کلی کنار رفته و سیاست همکاری با امپریالیسم و مآلا سیاست خصومت با انقلاب ایران را در پیش گرفته و الان هم همه اطلاعات می‌رسد که چین به عراق کمک‌های تسلیحاتی قابل ملاحظه می‌کند، زیرا چین مقداری از سلاح‌های عمومی عادی شوروی را دریافت کرده و از روی آنها خودش هم می‌سازد و می‌تواند کمک‌های تسلیحاتی خیلی زیادی به عراق بکند. چین و مصر الان به عراق در زمینه تسلیحاتی، چه قطعات یدکی و چه جنگ‌افزارها کمک می‌کنند.

تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی از همان ابتدای انقلاب ایران، ارزیابی بسیار مثبتی در باره انقلاب ایران داشتند و پشتیبانی همه‌جانبه خودشان را برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران، نه یک‌دفعه، نه دودفعه، بلکه همواره در هر موقعیتی اعلام کرده و آمادگی خود را برای کمک به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته‌اند. پس از آن طرف، ما کوچک‌ترین مانعی نمی‌بینیم. در جریان اخیر هم، علی‌رغم تمام تحرکات محافل امپریالیستی و محافل افراطی ضد کمونیست در ایران و خبرگزاری‌های امپریالیستی که کوشیده‌اند اعلام رسمی دولت شوروی را در مورد خودداری از کمک‌های تسلیحاتی و جنگ‌افزار به عراق، تخطئه کنند یا سکوت بگذارند، مقامات مسئول ایران علناً اظهار داشتند که دیگر می‌دانند که اتحاد شوروی به این تعهد و موضع گیری خودش وفادار است و به هیچ عملی برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران تن در نخواهد داد. بدین ترتیب کشورهای سوسیالیستی از طرف خودشان آمادگی برای کمک اقتصادی، کمک فرهنگی، کمک سیاسی، کمک اجتماعی، برای هرگونه کمکی که ایران به آن احتیاج داشته باشد، ابراز داشته‌اند. آنها به کرات گفته‌اند که آماده هستند برای توسعه صنایع ایران، برای انعقاد قراردادهای درازمدت، برای تجارت با ایران، برای خرید نفت از ایران.

اخبار همه این‌ها را ما در روزنامه‌ها داریم. و اما از طرف ایران وضع چگونه است؟ شرایط عینی جامعه ایران، محاصره اقتصادی، کوشش برای پایان دادن به وابستگی اقتصادی به امپریالیسم، تلاشی برای ایجاد صنایع پیشرفته در ایران به عنوان پایه یک اقتصاد نیرومند خلقی مستقل، همه این‌ها حکم می‌کند که ایران از این موضع گیری مثبت کشورهای سوسیالیستی برای همکاری کاملاً بی‌غرضانه دو طرفه، برپایه برابری کامل و به سود دو طرف، استقبال کند. در محافل حاکمه ایران در این زمینه سه برخورد وجود دارد: یک برخورد واقع بینانه به این واقعیت جهانی، یک برخورد خصمانه وابسته به امپریالیسم و یک برخورد کوتاه نظرانه و قشری که وابسته به امپریالیسم نیست، ولی نتیجه عملی‌اش تقریباً همان است. این سه برخورد در دولت‌مردان ایران کاملاً مشهود است.

موضع وابسته به امپریالیسم و تا حدود زیادی هواداران نزدیکی به اقتصاد غرب روشن است. آنها هرگونه نزدیکی اقتصادی، هرگونه توسعه همکاری اقتصادی بین ایران و کشورهای سوسیالیستی را مخالف منافع خودشان می‌دانند، برای اینکه خوب این تجاری که از کشورهای امپریالیستی جنس وارد می‌کنند، منافع عظیمی می‌برند. مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی معمولاً مهمترینشان یک پایه معاملات دولتی است و معاملات دولتی دیگر به این لیبیرال‌ها اجازه نمی‌دهد که از این محل میلیون‌ها سود ببرند. مثلاً برای کارخانه ذوب آهن که دیگر نمی‌توانند مثل کارخانه‌های دیگری که از امپریالیسم می‌خرند، چندین میلیارد بگیرند، به این ترتیب آنها، هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ بهره‌کشی، هم از لحاظ سیاسی با توسعه همکاری‌های اقتصادی ایران و اتحاد شوروی مخالفند، چون چنین توسعه‌ای نفوذ امپریالیسم در ایران، نفوذ حامیان آنها را در ایران، محدود می‌کند و لذا با تمام قوا کار شکنی می‌کنند.

گرایش دوم، گرایش قشرهای کوتاه بین است. آنها تصور می‌کنند که هرگونه همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی، وابستگی می‌آورد. آنها از وابستگی و استقلال تصورات عجیبی دارند. خیال می‌کنند که اگر مابیک معامله اقتصادی بزرگ برای ایجاد مثلاً کارخانه ذوب آهن انجام دهیم، این کارخانه، کارخانه کمونیستی می‌شود و اندیشه‌های مارکس از طریق ماشین‌آلات به آنجا رسوخ می‌کند. خوب، این طرز تفکر، علی‌رغم آن که این‌ها می‌خواهند به استقلال ایران خدمت کنند، نتایج فوق العاده دردناک به بار

می‌آورد. به عقیده آنها برای جلوگیری از «وابستگی» باید رفت طرف زاپرو آلمان غربی و... و به وسیله آنها صنایع بنیادی را تدارک دید و یا باید از کشورهایی که در آن اردوگاه نیستند، این چیزها را گرفت و این مفهومی «وابستگی» نیست. ولی ما می‌دانیم که حتی خرید از کشورهای امپریالیستی، چنانچه سیاست یک کشوری کاملاً مستقل باشد، می‌تواند به استقلال آن‌را برساند. یعنی تاثیر تعیین کننده نداشته باشد. به این ترتیب این نظر، در عمل تقریباً هماهنگ می‌شود با آن نظر هواداران نزدیکی مطلق به غرب، چون بالاخره امتناع از همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی، آخراً به آنجا خواهد کشید که باید رفت طرف غرب و غرب هم همین را می‌خواهد. گرایش سوم که در رهبری اقتصادی و سیاسی ایران وجود دارد، گرایشی واقع بینانه است. دارندگان این گرایش فکر می‌کنند که ما می‌توانیم در عین حفظ کامل تمام شئون استقلال ایران، روابط وسیع اقتصادی، صنعتی، تجاری با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای آزاد و مستقل جهان داشته باشیم، منتهی بخش مهمی از این کشورهای آزاد و مستقل جهان نمی‌توانند احتیاجات صنعتی ایران را برآورده کنند. از آن جمله‌اند، مثلاً سوریه، لیبی، تانزانیا، آنگولا، حتی هند و حتی ویتنام. این‌ها امکانات صنعتی به آن شکل ندارند که بتوانند احتیاجات کشوری را که می‌خواهد خیلی رود پایه‌های صنایع بزرگ خودش را، برای نیل به استقلال اقتصادی به وجود بیاورد، رفع کنند.

بنابراین برقرار کردن روابط اقتصادی وسیع با کشورهای سوسیالیستی، برای رفع احتیاجات ایران در زمینه توسعه صنایع و دیگر زمینه‌های حیاتی اقتصادی ایران، یک ضرورت حیاتی و عمده است. هستند نیروهایی که این‌طور فکری می‌کنند، اهمیت این مسئله را درک می‌کنند و می‌کوشند به دوستان خود و به همه مبارزان هم سنگر خود بفهمانند که این مسئله ابدایه است. دست دادن استقلال متحر نخواهد شد. خوب، الان قسمت قابل ملاحظه‌ای از احتیاجات وارداتی ایران حتی از اروپای غربی، از راه اتحاد شوروی به ایران می‌آید. قرارداد ترانزیت اخیری هم که بسته شد، توسعه این امکانات بود. خوب، ما می‌بینیم این کالاها که از اینجارد می‌شوند به ایران می‌رسند، کمونیستی نمی‌شوند! ما امیدوار هستیم که در زمینه‌های دیگر مناسبات اقتصادی نیز همین نتیجه برسد که می‌توان روابط ترانزیتی و مناسبات خیلی وسیع با کشورهای سوسیالیستی داشت و در این زمینه، از امکاناتشان استفاده کرد، بدون این که استقلال ایران از بین برود. آنها فکری می‌کنند استقلال کشور یعنی این که ما اصلاً هیچ گونه رابطه سیاسی و اقتصادی، با هیچ جای دنیا نداشته باشیم، به نظر ما دنیا را اصلاً نمی‌شناسند، تحولات دنیای کنونی ما و تغییراتی را که در آن پیدا شده، نمی‌دانند. چون به این حساب اگر بگیریم، هیچ کشوری در دنیا اصلاً استقلال ندارد. حتی به قول خودشان «ابر قدرت‌ها» تجارت خیلی وسیعی بین خودشان دارند. حتی امروز هم مبادلات بازرگانی و اقتصادی بین آمریکا و شوروی، با وجود محاصره اقتصادی آمریکا علیه شوروی، هنوز قطع نشده و در بخش مهمی از کالاها هنوز با هم مبادلاتی دارند. چیزهایی می‌خرند و می‌فروشند. مبادله چیزی است که در تمام تاریخ جامعه بشری وجود داشته است. ما ناچاریم مقادیری از احتیاجات خودمان را از طریق مبادله کالایی تامین کنیم که خودمان زیاد داریم و زیاد تولید می‌کنیم. این که کشوری، هر قدر هم بزرگ، بتواند تمام احتیاجات خودش را بدون هیچگونه مبادله‌ای با خارج تامین بکند، چنین چیزی وجود ندارد و تصوراتی که ایران بتواند چنین وضعی را به وجود بیاورد، به نظر ما تصور کودگانه است و از ناآگاهی به واقعیت‌های اقتصادی و جهان امروز ما سرچشمه می‌گیرد. ما امیدوار هستیم و کوشش‌های ما در جهت است که همکاری اقتصادی ما با کشورهای سوسیالیستی که مثل همه همکاری‌های دیگر ایران با کشورهای سوسیالیستی، برپایه منافع متقابل و برابری کامل استوار است، توسعه یابد و شناخت این واقعیت که به نفع اقتصاد ما است، هر روز در مقامات حاکمیت کشور ما، بیشتر قوت بگیرد. این است امید ما و اینست کوشش ما.

س: گزارش خبرگزاری پارس در مورد «کانون فرهنگی جنوب» که در روزنامه‌های «میزان» و «کیهان» چهارشنبه چاپ شده است، تا چه حد صحت دارد؟

ج: این گزارش از اصل و از پایه و در همه جزئیاتی که به ما مناسبت داده شده، سراپا دروغ است، ساختگی است، خنده‌آور است. به نظر ما تمام اتهاماتی که در این زمینه به ما زده‌اند، ساخته عوامل دشمن است. در این تردیدی نمی‌شود داشت. واقعیت جریان این است که آن ساختمان سه بلوک دارد. دو بلوک آن، قسمت قابل ملاحظه‌اش، مسکونی است و در یک گوشه‌اش هم کارهای فرهنگی انجام می‌گرفت. و اما بلوک سوم مدت‌ها پیش از آنکه دوستان ما، آنجا به کارهای فرهنگی مشغول شوند، توسط گروهی که معلوم بود از اوباش محل هستند، به بهانه تاسیس درمانگاه معتادین اشغال شد و حتماً آنجا است که لاید برای هروئین و این‌جور چیزها مورد استفاده قرار گرفته است. چند روز پیش پاسداران به آن قسمتی که بعضی از رفقای مادر اتفاقی به سواد آموزی و کارهای عادی کارگری مشغول بودند، مراجعه کردند

و رفقای ما را هم گرفتند و بردند. همه جا را هم گشتند، ولی در بلوکی که دوستان ما در اختیار داشتند هیچ چیزی پیدا نکردند. از دوستان ما هم که هفت نفر بودند، ۴ نفرشان را آزاد کردند و سه نفر دیگرشان را هم گفته‌اند فردا یا پس فردا آزاد می‌کنیم. نماینده حزب ما هم رفته آنجا که مطلب را روشن کند. در عین حال ما به سیاه پاسداران شکایت کرده بودیم که آقا در بلوک پهلویی که اوباش اشغال کرده‌اند، مدت‌هاست که اطباء دوست ما، اطباء مبارز انقلابی، می‌خواهند یک درمانگاه مجانی برای مردم ترتیب بدهند، ولی این اوباش به زور آنجا را گرفته‌اند و ما نمی‌دانیم اینجا چه می‌گذرد و هرچه ما شکایت کردیم که اینها را بیرون کنید، با آنکه رای کمیته مرکزی هم برای بیرون کردن آنها صادر شده بود، کسی ترتیب اثر نداد. روز قبل از این جریان هم ما شکایت کردیم که شما بیایید برای بیرون کردن آنها اقدام کنید. آنها هم وعده دادند و رفتند آنجا. ممکن است همه آن چیزهایی که می‌گویند، در آنجا پیدا کرده باشند، چون خود ما هم سوطن داشتیم و فکر می‌کردیم که چنین چیزهایی در آنجا پیدا شود. ولی بعد آمده‌اند، ما را که شکایت کرده‌ایم، به عنوان شریک آن‌ها جلوه داده‌اند. درست مثل این است که کسی که در دزد به خانه‌اش رفته، بگوید که آقا من دزدی‌اش شناسم، اثاث من را برده و فلان جا پنهان کرده، نشانی آنجرا هم بدهد. بعد بروند اثاث را بیرون بیاورند، ولی خود صاحب‌خانه را هم بگیرند و بگویند دزد این اموال، تو هستی! باید کمی هم معرفت داشت و دانست که این لکه‌ها به حزب توده ایران نمی‌چسبند! خوب، ما از این پرونده سازی‌های ابلهانه نمونه‌های دیگری هم داریم. من یکی از آنها را برایتان تعریف می‌کنم که الان پرونده‌اش حاضر است. چند وقت پیش از آن که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ما را بگیرند، یک روز در «اطلاعات» و «کیهان» اطلاعیه وسیعی چاپ شد که مرکز فعالیت تخریبی عزالدین حسینی در تهران اشغال گردیده و در این خانه را دیو بیوسیسم و وسایل مختلف آمریکایی، مشروبات و همه چیز کشف شده است. یک خبر عریض و طویل. وقتی آدرس این خانه را خواندیم دیدیم درست همان جایی است که پنج ماه پیش یعنی در اردیبهشت ماه، چند تا ماشین چاپ دستی متعلق به حزب، در آنجا جمع بود. غلتش هم این بود که به ما خبر رسیده بود که می‌خواهند به مرکز حزب حمله کنند. ما این ماشین‌ها را برداشتم به بریم کجا، قایم کنیم، همان وقت که آن‌ها را می‌بردیم، برخورد کرد به دورانی که چریک‌ها جابجا می‌شدند و محل روزنامه «کار» و غیره مورد تعقیب بود. همان موقع ما مورین اطلاع داده بودند که در این خانه هم یک چیزهایی می‌آید می‌رود. رفتند آنجا ریختند توی خانه و ماشین‌ها را گرفتند. دو نفر راهم که اهل آن خانه بودند گرفتند، ولی بلافاصله آزاد کردند و شاید ۲۴ ساعت هم نگه نداشتند. آنجا فقط ماشین چاپ بود که گفتند صاحبش نباید اینجا و آن‌ها را تحویل بگیرد. ما هم از طرف حزب در آن تاریخ، در اردیبهشت ماه یا زودتر، نامه نوشتیم به کمیته مرکزی، به دادستانی، که این ماشین‌های چاپ مال حزب توده ایران است، این‌ها را به ما پس بدهید. آن‌ها هم چندین باره ما وعده دادند که خوب، پس می‌دهیم. جریان به همین سادگی بود. ولی این جریان ساده تبدیل شد به «کشف ستاد عملیاتی» عزالدین حسینی در تهران و فلان و فلان، برادر رفیقی که به علتی در زندان بوده، پس از مشاهده آن اعلامیه در «اطلاعات»، به کمیته مربوطه مراجعه کرد و گفت آقا واقعیت جریانی که شما «کشف کرده‌اید» این است. از کمیته مربوطه هم نامه نوشتند به کمیته مرکزی و تصریح کردند که همه مطالب آن اعلامیه دروغ است. ما رفتیم آن خانه را گشتیم، غیر از چهارتا ماشین چاپ و مقداری کاغذ هیچ چیز دیگری در آن نبوده، نه بی‌سیم بوده و نه فلان و فلان. یعنی چه؟ یعنی جریانی هست، افرادی در نهادهای پایین هستند که با تمام قوا می‌خواهند علیه حزب توده ایران پرونده‌سازی کنند. این هم یک نمونه دیگرش. در آینده هم حتماً نمونه‌های دیگری درست خواهد شد. این یکی از شکردهای ضدانقلاب است که عوامل قشری محدود تنگ نظر خیلی آسان به دام آن می‌افتند. خیال می‌کنند که اگر حزب توده ایران را به این شکل بدنام کنند، خیلی موفقیت تاریخی‌ای برای انقلاب ایران پیدا کرده‌اند. البته ما برای کسانی که این دروغ‌های شاخ‌دار را می‌سازند، شرافت و حیثیتی نمی‌توانیم قائل شویم. ما علیه کسانی که این خبر را منتشر ساختند، علیه مخبر خبرگزاری پارس و علیه کسی که این اطلاعات را داده اعلام جرم کردیم، به تمام مراجع قانونی شکایت کردیم. خوب، البته خیلی هم امیدوار نیستیم که به این شکایات ما رسیدگی شود، نه به همان دلایلی که در اول صحبت امروز به آن اشاره کردیم، بلکه به این دلیل که فاعل هر کسی در هر جا که هست، حکومت مطلق دارد و هیچ مرجع مرکزی هم نیست که حرفش تاثیر قطعی داشته باشد. به خیلی جاها ما مراجعه می‌کنیم، خیلی هم حسن نفاقم نشان می‌دهند و تصدیق می‌کنند که حرف ما واقعاً درست است، خیلی از این اعمال خلاف قانون علیه حزب توده ایران انجام می‌گیرد. ولی عملاً هیچ مرکزی که بتواند به این مسائل برسد و واقعا دادخواهی بکند، هنوز بوجود نیامده است.

در مطبوعات کشور

توطئه «آواکس» را در جهان افشاء کنیم!

وزارت خارجه چرا ساکت نشسته است؟ بعد از وارد شدن ضربات کوبنده ارتش اسلام بر پیکر ارتش مزدور رژیم عراق و بعد از نابودی سریع قسمت اعظم منابع اقتصادی و سوختی عراق، آمریکای جنایتکار، که از نابودی رژیم مزدور خود بهراس افتاده بود، اقدام به ارسال چهار فروند هواپیمای مجهز به رادارهای «آواکس» به عربستان کرد.

این رادارها که بر روی هواپیماهای غولپیکر نصب شده تا ۴۰۰ مایل برد داشته و مسلماً با حرکت هواپیماها بر بردشان افزوده خواهد شد و خواهند توانست حرکت هواپیماها، کشتیها و حتی حرکت متونهای نظامی را تا حد نهایی برد خود مشخص سازند.

تحویل این رادارهای پرنده به عربستان سعودی که در گرمای گرم نبرد توام با پیروزی نیروهای جمهوری اسلامی با رژیم مزدور عراق انجام گرفت هیچ معنی و مفهومی بجز کنترل حملات تهاجمی نیروهای جمهوری اسلامی ایران ندارد و آمریکا بدینوسیله خواسته است حملات ایران را به اطلاع مزدوران عراقی برساند.

دولت جمهوری اسلامی ایران رسماً و نیز ضمن تعلق محمدمعلی رجایی در شورای امنیت سازمان ملل به این عمل امپریالیسم آمریکا اعتراض کرده و آنرا دلیل باززد دخالت آمریکا در جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران محسوب داشته است. اما این مسئله نه به آنگونه است که تنها به یک اعتراض بسنده کرده و در مورد آن سکوت اختیار کرد.

در خارج از ایران نیز کشور لیبی به حضور «آواکس»های آمریکایی در عربستان اعتراض نموده است، اما آنچه از کل جریان پیداست این نکته بسیار مهم است که این جنایت بسیار بزرگ آمریکا تاکنون، کماهو حقه افشاء نشده است.

در این مورد رادیو تلویزیون و بخصوص بخش زبانهای خارجی رادیو باید بسرعت دست به کار شده و به تمامی دنیا اعلام کند که آمریکا پس از جنایات پنجماهه قبل از انقلاب و پس از جنایات فجیع و توطئه‌های رذیله بعد از انقلاب، اکنون نیز که بوسیله مزدوران بستی خود جنگ تمحیلی را ایجاد کرده، با تحویل رادارهای پرنده «آواکس» ورق تازمای بر توطئه‌ها و جلائی‌های خود افزوده است.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران باید سریعاً در این مورد اقدامات لازمه را بعمل آورده و ضمن اعتراض به رژیم عربستان سعودی، تمامی کشورهای را علناً و رسماً در جریان این توطئه آمریکا قرار دهد. تنها بدینصورت است که آمریکا در برابر تهاجم افکار عمومی در برابر افشای جنایاتش در سکوت شکست خواهد نشست.

(پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران - ۱۷ آبان ۵۹)

امنیت قضائی...

بقیه از صفحه ۶

تاریخ، حزب توده ایران در میان همه احزاب، سازمانها و نیروهای ملی، دمکراتیک و انقلابی ایران، پیش از همه و بیش از همه از نقض و فقدان این اصول و ارکان صدمه دیده، تلخی چشیده و فاجعه کشیده است. بشهادت تاریخ، در دوران سلطنت ننگین خاندان منقوریسلوی، درست بعلمت فقدان آزادی و فقدان امنیت قضائی و نقض قانون، دهها هزار نفر (آری دهها هزار نفر) از بهترین افراد و هواداران حزب توده ایران، بدست دژخیمان شاه نسوخته امپریالیسم در سرتاسر ایران و در جریان خیزشهای انقلابی بخاک و خون غلطیدماند و عده‌ای بمراتب بیشتر از این، به تبعید محکوم و یا به مهاجرت و جلائی وطن مجبور گشته‌اند.

آری، ما طرفدار صدیق و اصولی امنیت قضائی، آزادی و قانون هستیم و یکی از وظایف یومیه‌ما، مبارزه در راه تامین همین مواهب بزرگ اجتماعی و انسانی است. ما از مدافعان سرسخت آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستیم، که یکی از دست آوردهای بزرگ انقلاب ماست. ما برای تحقق این آزادیها و تثبیت و تحکیم و گسترش این دستاورد بزرگ با تمام توان خود مبارزه کرده‌ایم، می‌کنیم و خواهیم کرد.

و اما سئوالی که در این زمینه مطرح میشود و پاسخ خود را میطلبد، اینست که:

آیا امنیت قضائی، «قانونیت» و «آزادی» شامل حال همه افراد، گروهها، سازمانها و احزاب و افراد

به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میشود و یا فقط به افراد و گروههای معین منحصر می‌گردد؟

اگر این اصول برای همه افراد، گروهها، سازمانها و احزاب و افراد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تقسیم‌ناپذیر و خدشه‌ناپذیرند، پس چرا در اواخر مرداد پارسال، یعنی در دوران دولت موقت، که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بیدلیل مسر و موم شد و نامه «مردم» به دلیل توقیف گردید، صدای اعتراضی از همین محافل که امروز از «فقدان امنیت قضائی»، «قانونیت» و «آزادی» می‌نالند، بلند نشد؟ پس چرا امسال، که

بار دیگر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه «مردم» در تهران و بسیاری از شهرستنها بدست عده‌ای از افراد غیرمسئول اشغال شد و هنوز هم اشغال است، صدای اعتراضی از همین محافل علیه این عمل غیرقانونی شنیده نشد؟ پس چرا وقتی همین چندپیش‌پیش باز هم نامه «مردم» بیدلیل بطور موقت تعطیل شد، صدای اعتراضی از همین محافل شنیده نشد، برعکس، این محافل شادمانی خود را از جمله با کشیدن و چاپ کردن کاریکاتور توهمین آمیز در برخی روزنامه‌ها علیه حزب ما و نامه «مردم» نشان دادند؟ پس این چگونه «آزادیخواهی» و طرفداری از «امنیت قضائی» و «قانونیت» است؟ و یا طرفداری از «بحث آزاد» و «امکان اظهار نظر آزاد». قریب دوسال از انقلاب می‌گذرد. در این مدت افراد مختلف از طریق رادیو و تلویزیون به جهان بینی حزب توده ایران تاخته‌اند، تاریخش را جعل کرده‌اند، سیاستش را تحریف کرده‌اند، روشش را زارونه جلوه داده‌اند، دشنام گفته‌اند، افترا زده‌اند، ولی تا بحال حتی یکبار امکان و اجازه جواب‌گویی به حزب ما ندادند، و آنوقت همین محافل طرفدار «بحث آزاد» و «امکان اظهار نظر آزاد» اصلاً اعتراض به این کار نکرده‌اند که سهل است، غالباً خود مبتکر این تهاجم یکجانبه بوده‌اند.

پس این چگونه «بحث آزاد» است که فقط یک طرف در آن شرکت میکند و این چگونه دادگاهی است که در آن فقط اتهام‌زننده حق حرف‌زدن دارد؟ بار دیگر تکرار می‌کنیم که: ما طرفدار سرسخت امنیت قضائی و قانونیت و آزادی‌های فردی و اجتماعی هستیم و این حقوق را برای کلیه احزاب، نیروها، مطبوعات و افرادی که از انقلاب

و جمهوری اسلامی ایران و خط ضد امپریالیستی و خلقی امسام خفنی صادقانه پشتیبانی میکنند، بطور یکسان خواهیم مامعتقدیم که فقط امنیت قضائی، قانونیت، آزادی احزاب، نیروها، مطبوعات، اجتماعات و افراد انقلابی است که به انسجام آنها و تکیه به تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران بسود خلق منجر میگردد. این حقوق مسلم اجتماعی باید بدون کوچکترین تبعیض و حب و بفض، درباره همه احزاب، نیروها، مطبوعات و افراد و افراد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مراعات و اجرا شود و نقض این حقوق مسلم اجتماعی که خلاف قانون اساسی است، باید جرم تلقی گردد.

و اما نکته اساسی دیگر اینکه، آزادی در یک جامعه طبقاتی، دارای سرشت طبقاتی است.

ما آزادی را برای مستضعفان و مردم زحمتکش و محروم و غارت‌شده ایران و نمایندگان سیاسی و مذهبی و اندیشه‌ای آنان میخواهیم، ولی در مقابل توده‌های عظیم خلق، طبقات طاغوت-آفرین، یعنی سرمایه‌داری وابسته و کلان زمین‌داران و عمال آنها و حامیان خارجی آنها وجود دارند که طاغوتشان سرنگون شده و حالا برای ادامه حیات و سلطه غارتگرانه خود میخواهند - با کمک شیطان بزرگ آمریکایی جهان‌خوار - یک شبه طاغوت و یا طاغوت‌واره جدید درست کنند و برای اینکار «امنیت» و «قانونیت» و «آزادی» می‌طلبند. آزادی خلق با آزادی اینان در یکجا نمی‌گنجد، کما اینکه آزادی میش با آزادی گرگ از پایه و اساس متضاد است. بگفته شاعر: ترحم بر پلنگ تیز دندان - ستمکاری بود بر گوسفندان

لذا باید میان این آزادی (آزادی خلق) و آن آزادی (آزادی طبقات ضد خلق) یک مرز مشخص و روشن کشید. هر کسی که مدعی طرفداری از آزادی است، باید روشن سازد که در کدام سوی این مرز قرار دارد. اگر در سمت آزادی برای خلق قرار دارد که نباید و نمی‌تواند طرفدار آزادی طبقات و نیروهای ضد خلق هم باشد و بمراتب اولی نباید و نمی‌تواند بعنوان دفاع از آزادی، عملاً خود را در سراسیمه قرار دهد که خودبخود و خواسته و ناخواسته، در کنار نمایندگان طبقات و نیروهای ضد خلقی قرار گیرد.

از تاریخ دوردست میکردیم، طبقات ضد خلقی، یعنی سرمایه-داران وابسته و کلان زمین‌داران و عمال و بیانگران سیاست و اندیشه‌های آنان، در دوران سلطنت ننگین خاندان منقور پهلوی با پشتیبانی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، آزادانه خلق زحمتکش ما را چپیده‌اند، آزادی این خلق ستمدیده را آزادانه پایمال کرده‌اند، استقلال این خلق شریف را آزادانه بریاداده‌اند و «انقلاب سفید» و «تمدن بزرگ» شان را هم آزادانه بمعرض نمایش گذاشته‌اند.

مردم ایران با انقلاب عظیم خود آن نظام غارتگر، فاسد، ظالم و دست‌نشانده را به اسفل‌النازلین

زحمتکشان و مردم محروم ایجاد کنند. افرادی که مدعی انقلابی بودن هستند، نمی‌توانند خواهان آن باشند که آزادی باز هم به بقایای همان طبقات ضد خلقی سرنگون شده، داده شود تا باز هم سوار گردد این خلق رنج‌دیده شوند.

یک آدم منصف، اگر وجود طبقات را هم انکار کند، ولی وجود دزد و صاحب‌خانه را که انکار نخواهد کرد. دزدی وجود دارد بنام امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صاحب-خانه‌ای وجود دارد بنام مردم ایران. یک آدم منصف و طرفدار علم و حقیقت، آزادی آن دزد و عمال ایرانی‌نمای آنرا با آزادی این صاحب‌خانه رنج‌دیده چگونه در یکجایی گنجانده و بطور برخورد روا میدانند که بعنوان دفاع از آزادی، در کنار کارگران و عمال آن دزدچانی جهانی قرار بگیرد؟

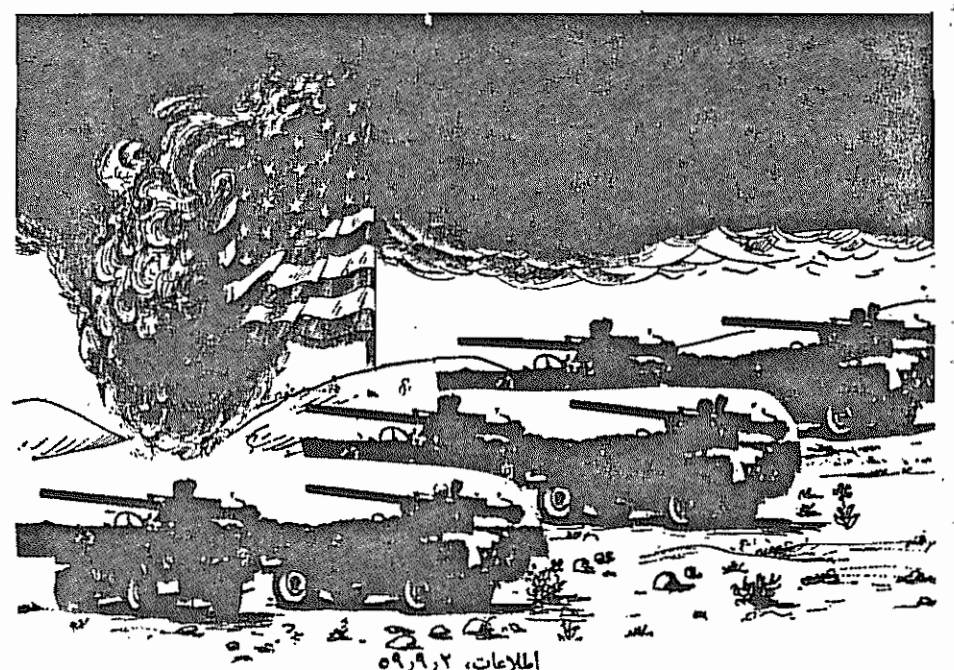
این روشنگری و تلاش و هشدار صمیمانه ما برای کلیه کسانی است که صادقانه میخواهند خدمتکار خلق و راه حق باشند. جنبه انقلاب، جنبه خلق، جنبه حق - آنست که بر اطراف امام خمینی گرد آمده و انقلاب ایران را به پیروزی رسانده و امروز در نهایت صلابت و استواری در برابر ضد انقلاب جهانی و داخلی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا قد علم کرده است. هر عمل، بحث و مشاجره‌ای که به تضعیف این جنبه و این رهبری منجر شود، خود بخود کیفیت ضد انقلابی و ضد خلقی خواهد داشت و بزبان انقلاب و محتوای انقلابی جمهوری اسلامی ایران تمام خواهد شد.

چشم و گوش خود را باز کنیم و از افتادن در راهی که سزاوار انسان انقلابی نیست، احتراز جوئیم.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- سازمان حزب توده ایران در دامانده ۹۰۰۰۰ ریال
- ص. از شهر کرد ۵۰۰۰ ریال
- از صندوق کمک به فراخوان حزب ۱۵۰۰ ریال
- ش. از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال
- جهان از شهر کرد ۳۰۰۰ ریال
- جمع آوری در جشن عروسی. ز ۲۳۵۰۰ ریال
- جمع آوری در جشن عروسی. ز ۱۲۵۰۰ ریال
- از سازمان حزب در شهر کرد ۲۰۰۰۰ ریال
- رضا از شهر کرد ۵۰۰ ریال
- خانواده آزاد ۲۵۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل)



اطلاعات، ۵۹۹۲

بقیه از صفحه ۱ عربستان سعودی به رژیم...

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، که امپریالیسم آمریکا با هدف پراگندگی جمهوری منطقه خلیج فارس را تشدید کرد، عربستان سعودی نیز تاسیسات و پایگاههای نظامی خود را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار داد و واحدهائی از نیروهای آمریکائی واکنش سریع، که به این منطقه اعزام شدند، در پایگاههای عربستان سعودی استقرار یافتند.

پس از آغاز جنگ خاندانه زارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم آمریکا چهار فروند هواپیمای «آواکس» در اختیار عربستان سعودی قرار داد. این هواپیماها با دستکاهای الکترونی استراق سمع و رادار، فعل و انفعالات را زیر کنترل قرار میدهند و در واقع مراکز جاسوسی و کسب اطلاع سیار آمریکا در این منطقه هستند. دولت آمریکا با واگذاری هواپیماهای «آواکس» به

حل مشکل مسکن یکی از وظایف اساسی دولت است

در مورد حل مشکل مسکن یکی از مشکلات دیرینه اکثریت مردم ایران است، از زمان استقرار دولت موقت تا بحال تصمیمات متعدد و اغلب متناقضی اتخاذ گردیده است. آخرین اقدام در این زمینه، تشکیل دفتر معاملات مسکن و واگذاری امر خرید و فروش مسکن به دفتر مزبور و ممنوع اعلام شدن این نوع معاملات جز از طریق دفتر مذکور است.

ساخته شده در شهرهای بزرگ و کوچک، که دارای حداقل مشخصات مورد قبول نیستند و در نتیجه لازم است که بجای آنها خانه های جدید ایجاد گردد، اضافه شود، آنگاه مشخص خواهد گردید که در زمینه تامین مسکن، کشور با چه کمبود عظیمی روبرو است و تا چه حد زحمتکشان ایران از این بابت در مضیقه هستند.

با عنایت به توضیحات وزیر مسکن و شهرسازی باید قبول کرد که، ایجاد سالانه ۶۰۰ هزار واحد مسکونی کار پراهمیتی است که در مقابل مقامات مسئول قرار گرفته و انجام آن احتیاج به زمان و بودجه قابل ملاحظه دارد. ولی با توجه به اینکه بویجوب اصل سی و یکم قانون اساسی، داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، بر دولت واجب است که اقدام بموقع برای تامین مسکن مردم بعمل آورد.

اولین قدم در جهت رفع این نیاز باید این باشد که، باور کنیم حل مشکل مسکن امکان پذیر نیست، مگر در ارتباط با سایر مسائل توسعه اقتصادی کشور. بر پایه این اعتقاد باید با توجه به اولویت منطقی به منطقه دیگر، برنامه های زمان بندی شده توسعه اقتصادی برای قسمتهای مختلف کشور تنظیم گردد، که بدیهی است ضمن توجه به نیازهای مختلف هر منطقه، باید رفع مشکل مسکن نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. با اجرای قسمتهای مختلف این برنامه ها در زمانهای پیش بینی شده، بتدریج کلیه نیازهای مردم قسمتهای مختلف مملکت،

از جمله مسکن برطرف خواهد گردید. در تنظیم برنامه های خانه سازی، ضمن توجه به خصوصیات قومی و محلی، باید ایجاد مجتمع های بزرگ مسکونی ارزان قیمت مورد نظر قرار گیرد، تا از نظر فضا صرفه جویی لازم بشود و رفیع نیازهای آینده مردم به مسکن با اشکال روبرو نگردد. همچنین لازم است به صنعت خانه های پیش ساخته شده نیز از هم اکنون توجه شود، تا در آینده ایجاد مسکن هم سریع تر و هم ارزاتر ممکن شود.

منابع مالی لازم برای اجرای برنامه های خانه سازی باید در درجه اول از طریق سرمایه گذاری دولتی و در مرحله بعد بوسیله جلب سرمایه های خصوصی به این بخش تامین گردد. دولت باید برای جلب سرمایه های خصوصی به این بخش، سود عادلانه ای برای سرمایه ها در نظر گیرد. علاوه بر این، بر دولت است که موجبات تشکیل شرکتهای تعاونی مسکن را به تعداد کافی فراهم کند و مردم را تشویق به عضویت در این شرکتهای نماید.

بانک مسکن وظیفه دارد که کمکهای مالی لازم را با شرایط سهل در اختیار این شرکتهای قرار دهد و بر امکانات خانه سازی آنها بیفزاید. در کنار این اقدامات اساسی، باید خانه های مصادره شده و خانه های متعلق به فراریان از کشور میان مردم تقسیم گردد و با اتمام ساختمانهای نیمه تمام مصادره شده، که تعداد آنها بخصوص در تهران کم نیست، و

توزیع آنها بین افراد کم درآمد، به رفع کمبود مسکن کمک داده شود. اگر بدین ترتیب عمل نشود و تصور گردد که حل مشکل مسکن بطور مجزا از بقیه مسائل امکان پذیر است، تنها فرصت ها را از دست داده ایم و در آینده با مشکلاتی غامض تر از حال حاضر روبرو خواهیم بود، که بطور قطع برخورد با آن نیاز به کار بیشتر و منابع مالی وسیعتری خواهد داشت.

توضیح آنکه روبرو شدن با این مشکل بصورت منفرد و موضعی، نقل و انتقال جمعیت از شهری به شهر دیگر را بدنبال خواهد داشت و حتی در صورتی که کوتاه مدت در بخشی از کشور مشکل مسکن حل شود، خیلی زود این تعادل از طریق مهاجرت های داخلی برهم خواهد خورد و بر مشکل قبلی مسائل جدیدی از قبیل چگونگی تامین مواد غذایی، آب آشامیدنی، بهداشت و خدمات شهری اضافه خواهد شد.

بنابراین، دولت باید از هم اکنون با استفاده از نظرات کارشناسان رشته های مختلف، به تنظیم برنامه های اقتصادی برای قسمتهای مختلف مملکت اقدام کند و بر اجرای آنها نظارت دقیق اعمال نماید، تا اجرای هر جزء از برنامه در زمان پیش بینی شده امکان پذیر گردد.

بدین طریق است که می توان، ضمن حل مشکل مسکن در سطح کشور، برنامه های مربوط به پیشرفت و آبادانی کشور را نیز بموقع اجرا گذارد.

شوخی نیست...

جامعه «بی طبقه»

یکی از افراد کومله «جهان بینی انقلابی» گروه خود را برای جمعی که انکتست بردهان بدورش کرد آمده بودند، شرح میداد و از جمله می گفت:

ما طرفدار ایجاد جامعه بدون طبقه هستیم و کارهای زیادی در این زمینه انجام داده ایم. یک نمونه آن شهر «بی طبقه» سمنندج است. در بهار گذشته، با «جنگ انقلابی» ما کاری کردیم که تمام طبقات بالائی بناهای شهر سرنگون شدند و فرو ریختند و کلیه آنچه در آن طبقات بود افتاد پائین، دست طبقه پائین. دیگر طبقات بالا در آن شهر وجود ندارد تا چیزی داشته باشد. باور نمی کنید، بروید نگاه کنید. شهر صاف صاف، هموار هموار است - بدون طبقات گوناگون. فقط طبقه پائین باقی مانده. آنهم طوری شده که دیگر قدرت ساختمان مجدد طبقات بالائی، یعنی احیای جامعه با طبقه را ندارد. آری، سمنندج نمونه زنده آن جامعه ایست که کومله میخواهد بسازد. ما که موافق پول بوت هستیم، برای آنستکه او هم در کامبوج همین کار را کرد و اصلا طبقه روی طبقه باقی نگذاشت. و اینکه مخالف شوروی هستیم و آنرا جامعه طبقاتی میدانیم، برای آنستکه در آنجا عمارات دو طبقه، بیست طبقه، سی طبقه وجود دارد...

عضو کومله داد سخن میداد، که ناگهان یکی از هواداران قاسملو، که احساس رشک و حسدش بجوش آمده بود، میان کلامش پرید و گفت:

بکلی بیخود میگوئی، مهاباد را ما خودمان از سمنندج شما بی طبقه تر کرده ایم و فقط کمی از طبقات باقی مانده، که آنهم بزودی صاف خواهد شد. سقز را هم شما بشراکت ما بی طبقه کردید، ولی در آنجا کار یک قدری ناقص ماند. علتش هم همان کمیته سابق، در این شهر بود که مسئول طرفدار بقای طبقات بود و لذا از دستور رهبری سرپیچی کرد و با دولتی ها «جنگ انقلابی» نکرد و تا توانست طبقات را سالم و محفوظ نگاه داشت. عاقبتش راهم که دیدی، حسابش را رسیدیم. بعلمت طرفداری وی از شهر طبقه دار، او را روبرویم و بزندانش انداختیم...

در این بگو مگو، یک مرتبه، یکی از حضار، اعلامیه کومله (سقز) مورخ ۳ آبانماه ۵۹ را از جیبش درآورد. در آن، گروه قاسملو مورد سرزنش قرار گرفته و از تهاجم ناموفق این گروه در روز عید قربان بشهر سقز، بعنوان یک عملیات حساب نشده نام برده شده بود. عضو کومله، مثل کسی که دلیل تازه و قاطع برای خفه کردن طرف بدستش رسیده باشد، گلوی خود را پاک کرد و روی به اطرافیان کرد و گفت:

حضرات، دیدید؟ باز هم «عملیات حساب نشده» این آقایان! اینها اگر درست حساب کرده بودند، روز عید قربان شهر سقز هم بطور کامل به شهر بی طبقه تبدیل شده بود. ولی ...

شخص ثالثی که بدقت مشغول خواندن اعلامیه بود، سخنان وی را قطع کرد:

صبر! صبر! شما اعلامیه تان را تا آخر بخوانید. کومله، قاسملوئی ها را متهم کرده که شما یکوقت ماموستا (شیخ عزالدین) و کومله را به بی طبقه ساختن سمنندج متهم میکردید، حالا خودتان مهاباد را بی طبقه ساخته اید و در سقز هم روز عید قربان خواستید بقایای طبقات بالا را ویران کنید و در ارومیه هم خواستید این کار را تکرار نمایید. طبقه زدائی را شما کرده اید نه ما و در طبقه زدائی تان درست، اصلا ما شرکت نداشته ایم...

دو نفر اولی مات و متحیر مانده بودند که اگر از بین بردن طبقات بالا کار خوبی است، پس چرا هرکس میکوشد مسزلیت آنرا به گردن دیگری بیندازد و اگر کار بدی است، پس چرا ما معتقد به سرنگون کردن طبقات بالا و ایجاد جامعه بی طبقه و لااقل یک طبقه هستیم؟

یکی از حضار گفت: - حقیقتش را بخوانید، آرزوی خلق کرد اینست که شر هر دوی شما از سر او کوتاه شود!

امپریالیسم امریکا به قصد خود برای مداخله در امور خلقها اعتراف می کند

در حالیکه مانور سیاه مداخله گر واکتس سریع امریکا در صحرای های مصر ادامه دارد، امپریالیسم امریکا همچنان ناوگان جنگی خود را در خلیج فارس تقویت می کند. وزارت دفاع امریکا اعلام کرده است: «ناو هواپیمای «ایندیندنت» و کشتی جنگی دیگری برای تقویت ناوگان امریکا راهی اقیانوس هند و خلیج فارس شده اند.»

جنگی امریکا در منطقه به حدود ۶۰ فروند خواهد رسید. از سوی دیگر، مانورهای سیاه واکتس سریع امریکا در صحرای مصر، زیر نظر ژنرال تایلور، مرد شماره ۲ این سیاه، ادامه دارد. نظامیان امریکا اکنون بدون پرده پوشی اعلام می کنند که هدف از انجام این مانور «آشنا شدن به منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان برای مداخله احتمالی» است.

افزایش بی سابقه بودجه نظامی امریکا

انحصارات امریکایی همچنان افزایش بودجه نظامی را به مردم این کشور تحمیل می کنند، در بودجه سال ۱۹۸۱ که از تصویب کنگره امریکا گذشته است حدود یکصد و پنجاه و نه میلیارد دلار به بودجه نظامی اختصاص یافته است، که این امر در تاریخ این کشور بی سابقه است. افزایش بودجه نظامی از طریق کاهش مخارج رفاهی مردم، یعنی از طریق فشار بیشتر به زحمتکشان این کشور تامین میشود.

افزایش تورم و کاهش تولیدات صنعتی در انگلستان

همراه با افزایش لجام گسیخته نرخ تورم در انگلستان، اقتصاد بیمار این کشور با کساد بی سابقه ای دست به گریبان شده است. بموجب آمار رسمی که در لندن منتشر شده است، تولیدات صنعتی انگلیس در دو ماهه اول سال جاری، نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۱۱ درصد کاهش یافته است، از سوی دیگر، بنا به همین آمار، میزان افزایش تورم در ۱۲ ماه گذشته ۱۶٫۴ درصد بوده است. دولت محافظه کار تاچر، که کار گزار انحصارات انگلیسی است، تلاش دارد چنین وانمود سازد که گویا این میزان افزایش تورم، نشان دهنده کاهش سیر صعودی قیمت ها است!

رویدادهای جهان

همکاریهای رو به گسترش اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر

یک هیئت اقتصادی اتحاد شوروی برای مذاکره با رهبران الجزایر در زمینه های مختلف از جمله در رشته های معادن، نفت و غیره وارد این کشور شد. این هیئت درباره گسترش همکاریهای اقتصادی دو کشور و ایجاد صنایع کلیدی با رهبران الجزایر گفتگو می کند. قرار است با همکاری اتحاد شوروی یک کارخانه ذوب آهن به ظرفیت ۱۵ میلیون تن در سال در الجزایر ایجاد شود. رهبران جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر برای نوسازی اقتصادی کشور و رشد همه جانبه رفاه مردم الجزایر، از کمکهای همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی برخوردارند.

نخست وزیر لهستان: تنها لهستان سوسیالیستی می تواند رشد مستقل لهستان را تضمین کند

یوزف پینکوفسکی، نخست وزیر لهستان در اجتماع گروهی از کارگران تاکید کرد: «اوضاع اقتصادی کشور همچنان متشنج است و تلاش برای سازمان دادن اعتصاب در اوضاع و احوال جاری اقدامی عاری از مسؤلیت است.» پینکوفسکی گفت: «تنها لهستان سوسیالیستی با یونندهای فزاینده با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر، می تواند رشد مستقل لهستان را تضمین کند.» از سوی دیگر دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان، در پی اجلاس خود اعلام کرد، افزایش شدید دستمزدها از یکسو و عدم کارایی اقتصاد از سوی دیگر عامل اصلی عدم توازن کنونی در بازار است.

دیدار رهبران مجارستان و چکسلواکی

در مبارزه مشترک کشورهای سوسیالیستی در راه صلح و سوسیالیسم یانوش کادار، رهبر مجارستان، به دعوت گوستاو هوزاک، رهبر چکسلواکی، از این کشور دیدن می کند. دو طرف در بیانیه مشترکی، لزوم همبستگی کشورهای سوسیالیستی را در مبارزه به خاطر سوسیالیسم و صلح مورد تاکید قرار دادند. دو کشور تاکید کردند برای امنیت و صلح در جهان تلاش خواهند کرد.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 377
24 November 1980

Price: West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۰۱ منطقه ۱۴ پستی تهران